تجاوز خیانتکارانه رژیم بعثی عراق به ایران، با پاسخ کوبنده سربازان و افسران دلیر و جانباز ارتش جمهوری اسلامی ایران روبرو شده است

جنگ را هزنانه بعثی‌های عراق بسود امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، بزیان خلقهای عرب و قبل از همه بزیان خلق برادر عراق است

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۳۴۱
پنجشنبه ۳ مهر ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

ضدانقلاب در معیشت عمومی اخلال میکند اقدامات سنجیده دولت میتواند دست ضدانقلاب را باز دارد

تشدید حملات بعثی‌های عراق به خاک کشور ما و درگیریهای مستقیم نیروی زمینی، دریائی و هوائی در جبهه‌های جنگ با ارتش متجاوز عراق، به ضدانقلاب فرصت داده است تا هم برای تاریکترکردن فضای تازه، کینه بدوزد و هم با ایجاد کمبود مصنوعی در زندگی روزمرهٔ مردم، معیشت عمومی را دچار اختلال کند. صف‌های طولانی، که بلافاصله پس از حملهٔ بعثی‌ها به فرودگاه‌های ایران در جلوی پمپهای بنزین، نانوائی‌ها و مغازه‌های فروش مواد غذائی تشکیل شده، نمودار فعالیت تخریبی ضدانقلاب در این عرصه است.

مقامات مسئول کشور برای آگاهی مردم و جلب توجه آنان به اقدامات آگاهانه ضدانقلاب، در این چند روز به تکرار اطمینان داده‌اند که بنزین و مواد غذائی بحد کافی موجود است، جای هیچگونه نگرانی نیست و ضرورتی برای ذخیرهٔ بنزین و خواربار وجود ندارد. با این وجود ضدانقلاب در کار مشوب ساختن اذهان عمومی است. با ایستادن

بقیه در صفحه ۳

جنگ را هزینه جنگ مستقیمی عراق برضد میهن اسلامی ما جنگی است بسود امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بزیان خلقهای عرب و قبل از همه به زیان خلق برادر عراق، که باید بهای سنگین‌بها، ماجراجوئی‌ها و برتری‌طلبی‌های رهبران حزب بعث را با جون فرزندان خود بپردازد. جنگ چرتی جدائی - ناپذیر از ایدئولوژی حزب بعث عراق است، که سیستم امپریالیسم ارتجاعی عرب را به سیاست خارجی و داخلی خود فرا میدهد و خلق‌های عرب عرب را «عنصر بیگانه» در داخل «ملت عرب» میداند و هر سرزمینی را که در آنجا بزیان عربی صحبت میکند امتداد خوزستان را جزئی از «وطن عربی» محسوب میدارد، بعثی‌ها معتقدند که خوزستان رسالت دارد، شکوه و جلال «ملت عرب» را بازگرداند و

بقیه در صفحه ۸

با هشدارهای حزب توده ایران باید جدی برخورد کرد

تجاوز نظامی رژیم جنایتکار بعث عراق به ایران و شرکت فعال این رژیم ضدخلقی در توطئه برانداری امپریالیستهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر صحت هشدارهای حزب توده ایران را در مورد خطراتی که انقلاب ایران را تهدید می‌کند و نیروهائی که علیه انقلاب ایران، با امپریالیسم جنایتکار آمریکا متحدند، به اثبات میرساند.

عملکردهای رژیم جنایتکار بعث عراق، که از ابتدای پیروزی انقلاب ایران به کانونی برای توطئه و تخریبات علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردید و لشکر مزدوران و ضدانقلابیون ایرانی را در خاک خود پذیرفت و آموزش داد و خود در پیوند با توطئه سراسری امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، علانیه شرکت جست، از همان ابتدا توسط حزب توده ایران، با دلایل و شواهد مسلم، وسیعا افشا گردید. حزب توده ایران نخستین نیروی سیاسی بود که طرحها و توطئه‌های حذائیه مزدوران بعثی را پیشاپیش افشا کرد و ضرورت به‌دله با آنها را یادآور شد و راه‌های متنحصر پیشرفتی مسئولین جمهوری اسلامی ایران قرار داد.

حزب توده ایران برای نخستین‌بار در اوایل سال ۵۸ از نقش حذائیه رژیم بعثی عراق پرده برداشت و تحت عنوان «سیاست خطرناک دولت عراق»، نوشت:

«تجاوز مسلحانه و تحریکات دولت عراق علیه کشور ما با گستاخی هرچه تمامتر ادامه دارد... «وصفگیری خصمانه دولت عراق نسبت به ایران، بخشی است از سیاست این دولت در منطقه خلیج فارس، که این دولت را عملا در کنار نیروهای ارتجاعی قرار میدهد.»

(«مردم»، شماره: ۲۶، ۲۳ خرداد ۵۸)

حزب توده ایران علت این امر را چنین توضیح داد:

«سیاست داخلی دولت عراق اینک ثابت شده که در کشور پایگاه اجتماعی خود را از دست ندهد، در برابر خلق عراق قرار گیرد، خود را نسبت و لرزان احساس کند و از نفوذ معنوی انقلاب آزادیبخش ایران بترسد و این مسئو ترس را بخواهد با تجاوز مسلح و مداخلات تجاوزی نسبت به ایران بحال خود از انظار مردم عراق مستور دارد...

آنچه درمناسبات ایران و عراق برنده دولت جمهوری اسلامی ایران است، قاطعیت در خلع نیست متجاوز دولت عراق در حالی ایران است.»

(«هماهنگ»)

حزب توده ایران نخستین نیروی سیاسی بود که دست جنایتکار بعث عراق را برای توطئه‌های جنگ‌افروزانه در کردستان نشان داد و با افشای موضوع‌گوئی این رژیم، که در کردستان خود را زیر پوشش «دفع از حقوق خلق کرد» پنهان ساخته بودند، طرحهای رژیم بعثی عراق را برای ایجاد جنگ برادرکشی و تصفیه جمهوری اسلامی ایران، آشکار ساخت.

«مردم» در تاریخ ۳ مرداد ماه ۵۸ نوشت:

«عناصری چون محی‌الدین هرکی، تودال بزرگ و سرپرست ایل هرکی، عضو رئیس سازمان امنیت عراق و سیدعزیز پسر سید طه، همکار سازمان امنیت عراق و مسببین وقایع جلدیان، کردستان را جولانگاه عملیات ضدانقلابی خود ساخته‌اند و با عناصر ضدانقلاب داخلی، همکاری نزدیک دارند.»

(«مردم»، شماره: ٤٤، ۳ مرداد ۵۸)

کمی بعد «مردم» نوشت:

«کمیسیون ۱۱ نفری، هرکب از ۵ ایرانی پسر رئیس پالیزبان و ٦ نفر عراقی، برای: ازدیاد عملیات خرابکارانه و توطئه‌گرانه چریکی و ارسال پول (ریال و دینار) و اسلحه تشکیل شده است».

(۲۷ آذر ۵۸، شماره: ۱٦۰)

تحت عنوان «دولت بعثی عراق، دشمن توطئه‌گر انقلاب ایران است»، نوشت:

«دولت بعثی عراق... در تمام طول مرزهای عراق و ایران و همچنین ازراه خلیج‌فارس و دریای عمان، با نقشه «سخاوتمندانه» پول و ارسال اسلحه برای افراد و گروههای ضدانقلابی در ایران و نیز با اعزام خرابکاران، شبانه‌روز درصدد تحریک و آشوب و ایجاد کانون‌های آشوب در مناطق گوناگون کشور ماست.»

در همین شماره، حزب توده ایران، برخی از مهمترین عوامل دولت بعث عراق را در کردستان، که زیر شعارهای ماوراء انقلابی و چپ‌نما، چهره پنهان ساخته‌اند و برای ایجاد جنگ و تصفیه انقلاب ایران، فعالیت می‌کنند، چنین برشمرد:

«مرتجعانی هرکی... شیخ عزالدین بیاره، شیخ مختار... سرهنگ شلمار با گروه کومله و شیخ عزالدین حسینی... شیخ جلال... داراحمد اتابای، حامد محمد طاهر بگ و محمد محمد طاهر بگ.»

بقیه در صفحه ۸

تجاوز نظامی عراق به ایران، توطئه امریکاست

رئیس جمهوری:

«اطلاعاتی که از یک ماه و نیم پیش بدست آورده‌ایم، مسلم‌ساز دارد که این توطئه‌ای است که آمریکا به تنها از آن اطلاع دارد، بلکه در انجام آن شرکت دارد.»

(از سخنان رئیس جمهوری در دیدار با سفرای کشورهای اسلامی)

نخست‌وزیر:

«دولت آمریکا از ابتدای انقلاب ما میکوشد که این انقلاب را بهر صورتی ممکن است از مسیر خودش خارج کند. تلاشهای پنهان او بعد از تسخیر لانه جاسوسی برملا شد و تلاشهای آشکارا و به بها، دیجات گروه‌گانها با شکست کامل روبرو شد و پس از این دو شکست، از حمله مستقیم منصرف شده و حالا به کمک عراق انقلاب اسلامی ما را مورد تجاوز قرار داده است.»

(از سخنان نخست وزیر در دیدار با سفرای کشورهای اسلامی)

جمعیت ایرانی هواداران صلح:

تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق به ایران، بخشی از توطئه امریکاست

هم‌میهنان مبارز:

انقلاب بزرگ مردم ایران به رهبری امام خمینی در روند شکوهمند تاریخی خود چنان ضربه‌های هولناکی بر پیکر امپریالیسم وارد کرده است که سرکرده آن، آمریکای جنایتکار، و نوکران زبون و درنده‌خو را به تلاشی جنون‌آمیز برانگیخته است.

طرد امپریالیسم از ایران تحول عظیمی در تاریخ بشریت است، که سرانجام به استقرار و استحکام مبانی صلح در منطقه و در جهان منتهی خواهد شد. بنابراین بی‌سبب نیست که امپریالیسم، که به جنگ زنده است، هرآدامی را درجهت تضعیف و بالاخره فروپاشی این انقلاب برای خود پدرانش جایز می‌شمرد.

رژیم بعثی عراق، بنابه‌حصلت ضد مردمی خود و در مخالفت آشکار و نهان باجنبش‌های ضد امپریالیستی منطقه، از همان آغاز اوج‌گیری انقلاب ایران، شیوه دشمنی پیش گرفت و به‌تدریج برشدت توطئه‌های خود علیه جمهوری نوپای ایران افزود. اختلاف مرزی با ایران را، که خود دامی تاریخی است که توسط امپریالیسم انگلیس گسترده شده، بهانه‌قرارداد و از تقویت ضد انقلاب در ایران، تا بمب‌گذاری و آتش‌افروزی در مناطق نفت‌خیز و گنوله‌باران شهرهای مرزی و بالاخره بمباران فرودگاه‌ها و شهرهای ایران از هیچ عمل دشمنانه‌ای فروگزار نکرد.

رژیم عراق در این راه با آمریکا، صدر امپریالیسم جهانی دوستی‌ورزیدگرفتن، چون اسرائیل و مصر و دیگر رژیم‌های مرتجع منطقه، همگام و همصداست و هرچند که گاه‌گاه و به ظاهر سعی برضد اسرائیل می‌گوید، ولی عملا دست در دست آنها برضد خلق مبارز فلسطین و سایر ملت‌های ترقیخواه عرب کار می‌کند.

دولت عراق باید آگاه باشد که ملت‌های جهان یکی پس از دیگری بندهای اسارت امپریالستی را پاره می‌کند و با سرنگون کردن حکومت‌های مزدور، به آزادی ملی و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر خواهند رسید. این حکم تاریخ است که هیچ قدرتی قادر به لغو آن نیست.

ایران و عراق، دو ملت همسایه و همکیش، در سرزمین‌هایی با منابع طبیعی غنی می‌توانند و باید اختلافات موجود را باحسن‌تفاهم و عدم مداخله در امور یکدیگر از راه مذاکرات صلح‌آمیز حل نمایند. اگر چنین نشده، درست بدان علتی است که امام فرمود:

«این صدام‌حسین است که بواسطه تحریک آمریکا به ما تجاوز کرده است، ما اگرجوابی به او بدهیم هرگز به ملت عراق که برادر ما هستند، مربوط نیست...»

ملت‌های ایران و عراق بخوبی آگاهند که جنگ، بخصوص در شرایط بحرانی منطقه، تنها و تنها به‌سود امپریالیسم‌جهخوارهٔ آمریکا است، که می‌کوشد با جنگ‌افروزی میان ملت‌ها نروبنایتن را چون گذشته به غارت برد. جنگ ایران و عراق به‌تصفیه نیروهای مترقی و ضدامپریالیستی منطقه می‌شود و فقط صهیونیسم و امپریالیسم را خوشنود می‌سازد.

جمعیت ایرانی هواداران صلح، که تصفیه امپریالیسم را به‌سود صلح جهانی می‌داند، وظیفه‌دار ما این جنگ، که عملا به سود امپریالیسم زائده شده آمریکا است وخطر گسترش آتش‌جنگ رابه کل‌منطقه دربردارد، محکوم کند.

جمعیت ایرانی هواداران‌صلح از تمام نیروهای صلح دوست و ضدامپریالیستی می‌خواهد که اعمال ماجراجویانه وجنگ آورد رژیم عراق را تقبیح کنند و با این عمل به‌حمایت از سیاست‌های صلح‌آمیز جوانبه و مسالمت‌آمیز برخیزند.

جمعیت ایرانی هواداران صلح
۳ شهریور ماه ۱۳۵۹

کانون همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران آمادگی خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران اعلام میدارد

کانون همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران طی اعلامیه‌ای، که رونوشت آن برای دفتر رئیس جمهوری، دفتر نخست‌وزیری، مجلس شورای اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مطبوعات و صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ارسال شده، آمادگی خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته است، در اعلامیه آمده است:

«بسمه تعالی - ستاد سیح مستضعفین - میهن عزیز ما از راهپیمائی زمین و هوا و دریا مورد تجاوز امپریالیسم جنوخوار به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم سرسپرده بعث عراق و همچنین ضدانقلاب داخلی قرار گرفته است. ما سندیکاهای کارگری مقدم و کانون همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران، که وقوع از میهن را مزکرین وظیفه خود میدانیم اعلام میکنیم که زیر رهبری امام خمینی عزای دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی ایران آماده‌ایم. قضیا میکنیم اعلام نمائید که آمادگی رزمی ما داده شود که افتخار خاصری با شهادت در راه میهن را بدست آوریم.

- کانون همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران سندیکاهای کارگران منطقه سوریه - سندیکای کارگران دی تهران - سندیکای کارگران داروسازی تهران شمی - سندیکای کارگران و کارکنان سنماهای تهران و حومه - سندیکای کارگران فلسفه، آزمایشگاه، بنزین، نجار - سندیکای واحد کارگران کارمانه‌های تهران و حومه - اتحادیه سندیکاهای تولید دن استان تهران و استان مرکزی - شورای توان مجلس شرکت ملی ساختمان - سندیکای کارگران داروگری مهرسان و حومه - شورای کارگران کل شیرو پیتی تهران و سندیکای منطقه ٦ شیرداری - شورای مرکزی قسمت تاریخ - سندیکای تلفنات - سندیکای کارگران شرکت‌پوش ساختمانی - هیئت‌مدیره سندیکای تلفنات.

اعلامیه سازمان جوانان تودهٔ ایران به مناسبت تجاوز نظامی رژیم «زرد» بعث عراق:

همه باهم به‌پیش در دفاع از جمهوری اسلامی ایران در مقابل توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و دست‌نشاندگانش!

صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

راهزنی قرن

چند روز پیش اجلاسیه ویـژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به بررسی مسئله ایجادیک نظم جدیداقتصاد بین‌المللی پرداخت.

مسئله نامبرده در دهه گذشته بیش از صد کشور نوپا را، که با وجود استقلال سیاسی، از نظـر اقتصادی کم و بیش به متروپل‌های سابق وابسته هستند، بعنوان مشغول داشته است.

با آنکه دو سوم مسکه جهان در کشورهای رشدیافته‌بدزدکی میکند، تنها یك ششم درآمد جهان دراین کشورها تولید میشود. در کشور های رشدیافته آهنگ مرگ و میر کودکان، تا سن پنج سال، ۲۵ درصد است. یك پنجم مردم جهان از کوفتگی رنج می‌برند و بیش از نیمی از آنان بیسوادند.

یکی دیگر از مصائب کشورهای رشدیافته، افزایش دیون آنها به کشورهای خارجی است. این رقم، که‌درسال ۱۳۴۹، ۶۵۰۰۰ ـ ۶۰۰۰۰ میلیون دلار بـود، در دیماه سال گذشته به ۳۹۰۰۰۰ میلیون دلار رسید. بسیاری از این کشورهابیش از ۵ درصد درآورده ملی ناویژه‌خود را صرف پرداخت این‌دیون میکنند.

یکرار ملل وابستگی بسیاری از کشورهای رشدیافته به‌ماده‌ار بین‌المللی سرمایه‌داری‌آنست‌که،اقتصاد آنها هنوز تك‌محصولی و یا تك‌رشته‌ایست. آمار جهانی نشان می‌دهد که، مواد خام ایران الزاما به کاهش بوی کالاهای صنعتی نمی‌انجامد. چنانکه محبوب الحق، اقتصاددان پاکستانی، در یکی از گزارشهایی‌که‌بین‌المللی‌اظهارداشت، درحالیکه ارزش صادرات سالیانه۱۲ کشور صادرکننده ۳۰۰۰۰ میلیون دلار بود، مصرف‌کنندگان همین کالاها در غرب ۲۰۰۰۰۰ میلیون دلار از بابت خرید آنها به جیب انحصارگران سرازیر کردند.

کشورهای نوپای رشد یافته هنجیین از نظر پولی و مالی به سرمایه بین‌المللی وابسته‌اند. ارزش دلار ایـالات متحده، بعلت کمبود موازنه پرداختها و بودجه آن‌کشور، ایـنکونه کشورها را که مجبورند بخش مهمی از ذخائر ارزی خود را در آمریکا نگهدارند، با دشواریهای سیمگیس روبرو ساخته است.

چنانکه گزارش گروهی از کارشناسان بین‌المللی، مسرپیاست نیسرگن، نشان میدهد استثمارگران بین‌المللی، از طریق سیستم بهره‌کشی نوآستعماری،سالانه ۶۰۰۰۰ـ ۵۰۰۰۰ میلیون‌دلار بغارت می‌برند.

در سالهای گذشته، کشورهای امپریالیستی «کمك» خود را بـه کشورهای رشدیافته تقلیل‌داده‌اند. از سوی دیگر، «صندوق بین‌المللی پول» و «بانك بین‌المللی عمران و توسعه» (اکقدار)،بوام را باین‌کشورها با محدودیت‌ها وشرائط‌توانفرسائی همراه ساخته‌اند. نرخ بهره ایـن بنیادها، که ده سال پیش ۴ـ۵درصد بود، اینك به ۸ درصد رسیده است

در اجلاسیه «کنفرانس سازمان ملل دربـاره بازرگانی و توسعه»، که در بهار سال ۱۳۵۸در مایمل برگزار شد، کشورهای امپریالیستی بانفعی آراء به مخالفت بـا پیشنهادهای «گروه ۷۷ کشور» برای ترمیم برخی از اشکالترین جنبه‌های استثمار گرانه اقتصادبین‌المللی سرمایه‌داری پیاخاستند.

در «سومین کنفرانس عمومی سازمان توسعه صنعتی» نیز، که شش ماه پسازگردهمایی مایمل در دهلـی تشکیـل شد، هیئتهـای نمایندگی ایالات متحده و بریتانیا به مخالفت شدید با برنامه‌هـای صنعتی کشورهای‌رشدیافته‌پرداختند و از آنها خواستندکه کمی بیشتر «واقع‌بینی» از خود نشان دهند و از هدف پیشین خود، مبنی بر تامین ۲۵ درصد تولید صنعتی جهان تا پایان سدهٔ بیستم، دست بردارند.

امپریالیسم ایالات متحده‌آمریکا، که در اصلی‌نقط گیتی به استثمار مردم ستمدیده جهان مشغول‌است. حاضر نیست که حتی بخش ناچیزی از این ثروت بیکران را بدون‌تحمیل شرائط سیاسی اسارت‌بار در اختیار آنها قرار دهد. برای نمونه، چندی پیش‌کنگره‌آمریکا پیشنهادواگذاری وجوهی را به «انجمن بین‌المللی توسعه»، که نخست با شرائطی‌نسبتاً مساعد، وام و اعتبار در اختیارکشورهای رشدیافته میگذارد، رد کرد. کنگره آمریکا، همینکه کوشیده است تا از وامها و اعتبارات ایـن سازمان نیز برای تحمیل مـقاصد سیاسی خود استفاده جوید.

بجرات میتوان گفت که رویکردی امپریالیستها در هیچ کنفرانس‌بین‌المللی‌ای در درباره‌مسابقه‌تسلیحاتی و ضرورت برقراری فقر در کشورهای رشدیافته نمایـان نمیگردد. چنانکه «کمیسیون پـرانده»، در گزارش خود، خاطرنشان ساخت:

«هزینه‌های نظامی بـه ۴۵۰۰۰۰ میلیون (دلار) درسال‌نزدیك‌میشود... چنانچه تنها جزیی از پول، نیرو و پژوهش‌هایی، کـه اکنون صرف هدفهای نظامی میگردد، به توسعه اختصاص داده میشد، آینده «جهان سوم» بس دگرگون می‌نمود.

از سوی‌دیگر، دولت اتحادشوروی بارها پیشنهاد کرده است که همه کشورها به کاهش هزینه‌های‌نظامی خود بپردازند و ده درصد پولی را که از این بابت صرفه‌جویی‌میکنند، به‌توسعه اقتصاد بین‌المللی تخصیص دهند.

بدینجاست، چنانکه میدانیم، پانصد کشورهای امپریالیستی تاکنون تنها افزایش سالیانه و بازهم بیشتربودجه نظامی‌شان بوده است. بیهوده‌نیست که «ادیم زولوبوف»، اقتصـاددان شوروی، و مشاور «بانك بین‌المللی سرمایه‌گذاری»، غارتگری کشورهای امپریالیستی را در کشورهای رشدیافته، از طریق مکانیسم کنونی اقتصاد بین‌المللی سرمایـه‌داری، «راهزنی قرن» نام نهاده است.

رئیس غرفه بلغارستان در نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران به خبرنگار نامه مردم گفت:

بلغارستان صنایع و لوازم مورد نیاز ایران را تأمین می‌کند

★ حجم معاملات ایران با بلغارستان بعدازانقلاب‌ایران ۳برابر شده است

رئیس غرفهٔ جمهوری توده‌ای بلغارستان، آقای تزوکوبوتف، در یك مصاحبه اختصاصی با نامهٔ «مردم»گفت:

«کشور بلغارستان آماده است تا صنایع سبك و سنگین و مواد دارویی و وسایل کشاورزی و غیره را دراختیار مردم ایران قرار دهد.

وی افزود: «اجناس و وسایلی را که کشور بلغارستان میتواند در اختیار ایران قرار دهد، وسایل برقی، ماشین‌سنگین تراکتور، ماشین کشاورزی، دارو، مواد غذایی و انواع سیگار را شامل میشود.

رئیس غرفه بلغارستان در ادامه سخنان خود گفت:

«درمورد سیگار باید گفت که یك نمونه از این سیگارها هیاکتون به نام «ازاتی» در ایران عرضه میشود. وی درمورد اینکه کشورش به کدام‌یك از تولیدات کشورما را حاضر است بخرد، گفت:

«مواد پتروشیمی، کفش، مواد غذایی، پنبه، پسته و دیگرموادی که دولت ایران حاضر به معامله با ما است، میتواند جزئی ازصادرات کشورش را به بلغارستان تشکیل دهد.»

آقای تزونکو بوتف همچنین گفت:

«حجم صادرات و واردات بین دو کشور ایران و بلغارستان درحال حاضر حدود ۷۰۰ میلیون دلار است که‌بیشترین خریدو فروش بوده است که تاکنون با ایران داشته‌ایم. حجم معاملات ما با ایران بعد از انقلاب به سه‌برابر سالهای قبل از انقلاب رسیده است، که اکثرا شامل‌وسایل برقی بوده است».

وی درمورد اینکه آیا کشور بلغارستان در بستن‌قرارداد با ایران شرایط خاص سیاسی قائل است، گفت:

«کشورما نه با ایران و نه با کشورهای دیگر، درموقع بستن قرارداد، شرایط سیاسی خاصی را قائل نیست».

وی درمورد محاصرهٔ اقتصادی که توسط امپریالیستها در مورد ایران صورت گرفته است، گفت:

«ما در این محاصره شرکت نکردیم و قصد هم نداریم که شرکت کنیم،چون‌این‌حربهٔ امپریالیستهاست‌که بکار میبرند.ما جزء یکی‌از اولین کشورهائی بودیم که محاصرهٔ اقتصادی را محکوم کردیم».

رئیس غرفه بلغارستان درمورد انقلاب ایران گفت:

«در مورد انقلاب ایران نظر ما کاملا روشن است. ما از همان روزهای اول انقلاب، جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناختیم و انقلاب ایران‌را درك‌کردیم و آمادگی ما برای‌ایجاد برقراری روابط‌بیشتر درمورد معاملات بازرگانی و اقتصادی، خود تاکید کنندهٔ این است که‌ما از انقلاب ایران پشتیبانی کامل می‌کنیم».

ضد انقلاب درمعیشت...

بقیه از صفحه ۱

در صفحه‌ها، با شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی، با تبلیغ دروغ میخواهد در مغز مردم بنشاند که همین فردا یا قحطی دروبر هستیم، تا میتواند بخرید و انبار کنید!

پیدایش وضع جدید، در شرایطی که بازرگانی خارجی ناسالمانه هنوز ملی نشده و سرمایه‌داران وابسته نیمی این بخش‌مهم از اقتصاد کشور ما را در دست‌دارند،به‌این عارتگران امکان میدهد که کالاهای موردنیاز عمومی را احتکار کنند و عرضهٔ کالا را کاهش دهند، تا از این راه، هم بر قیمتها بیفزایند و هم به اهداف سیاسی امپریالیسم آمریکا، که تضعیف روحیه مردم،و ایجاد نارضایتی است، کمك‌رسانند، یعنی هم‌به‌گیری سیاسی و هم بهره‌گیری اقتصادی کنند.

در دوران پس‌از پیروزی انقلاب، سرمایه‌داران وابسته، مایوس از سرمایه‌گذاری در زمین، که در شرایط نوین، نه تنها برای او منبع سودهای کلان نبود، بلکه خطر مصادره را بهمراه داشت، بـه عرصهٔ بازرگانی رو آورد و با سرمایه‌گذاری در این رشته و غارت مردم زحمتکش، ثروت خود را چندین و چندین برابر نمود. دربارهٔ همین سرمایه‌داران غارتگر است که استاد رضا اصفهانی در مجلس شورای اسلامی بدرستی اظهار داشت که، پسران انقلاب، مستکبرین مستکبرتر شده‌اند. اکنون برای این قشر ضدملی هیچوند با امپریـالیسم جهانخوار، فرصت دیگری پیش آمده است، تا بر غارتگری خود بیفزایند و سودهای بادآورده را کلان‌تر سازد.

ما بارها و بارها بدولت و مقامات مسئول وزارت بازرگانی‌هشدار دادیم که برای مبارزهٔ‌کنونی و نوین، یکی از اقدامات اساسی باید ملی‌کردن بازرگانی خارجی به‌مفهوم واقعی آن باشد، تا با قرار گرفتن صادرات و واردات و توزیع داخلی کالا در دست دولت، سرمایه‌داران وابسته، که عمده عارتگران و عمده محتکران هستند، از روند تهیه و توزیع کالا حذف شوند و امکان سوء استفاده نیابند. متاسفانه این هشدارها موردتوجه واقع نشد و وزارت بازرگانی ایجاد مراکز تهیه و توزیع کالا را، ملی‌کردن بازرگانی خارجی وامـمود ساخت. درحالیکه ایجاد این مراکز، که سرمایه‌داران وابسته در ادارهٔ آن نفش مهمی دارند و بطور عمده مرحلهٔ سفارش کالا را دربر می‌گیرد، بیچیزو به معنای ملی شدن بازرگانی خارجی نیست و هم‌اکنون گواه آنیم که این‌قشر طیلی چه امکانات مساعدی برای غارتگری و احتکار در اختیار دارد.

وظیفهٔ مهمی که دربرابر دولت آقای رجائی قراردارد، ملی‌کردن بازرگانی خارجی به‌مفهوم تصـرف آنست، باین معنا که دولت خـود تصدی واردات، صادرات و توزیع داخلی را عهـده‌دار شود، که هم بر قیمتها نظارت کامل داشته باشد و هم جلوی احتکار را از سوی بازرگانان بزرگ بگیرد. درمورد توزیع داخلی، دولت با ایجـاد فروشگاههای دولتی و فروشگاههای تعاونی میتواند قیمتهای خرده‌فروشی را درسطح معقول نگاهدارد و مانع‌از اجحاف و تعدی‌فروشندگان خصوصی به‌مصرف‌کننده شود.

اما وظیفه عاجل قبل هم امروز آنست که اقدامات احتیاطی و پیشگیری‌های لازم را، برای شرایط دشوار احتمالی آینده در نظـر گیرد، تا نتواند جلوی خیراکیران ضدانقلاب را سد کند. باین منظور تخمینی کلم آنست که یك قیمتها را در سطح معقول نثبت کند و با تخلف از آن، بویژه... بخش عمده‌فروشی، شدیداً مقابله نماید، تا عارتگران نتوانند با احتکارکالا و ایجادکمبود مصنوعی، قیمت‌ماحتاج عمومی‌را بدعوش برسانند. وظیفه دیگر دولت سازمانده‌ی توزیع کالا در سطح کشور است، سنجوی که به‌تنها جلوی احتکار در مقیاس بزرگ گرفته شود، بلکه مانع از احتکار کالا در مقیاس کوچك و در سطح خانواده‌ها گردد. جریانهای کلانی که در چند روز اخیر از سوی خانواده‌های مرفه مستقر شده‌اند، ارزانی و خواربار انحارگرفته، نشان میدهد که ایجاد این صـفهای طویل در جلوی مغازه‌ها و جریـانهای بیش از نیاز روزانه، بدرستی نودهٔ زحمتکش است که برای‌تهیه مایحتاج یومیه خود هم، دچار ضیق مالی است.

ما در شرایط جنگ سر میبریم. کسانی که ارزانی عمومی را احتکار میکنند، گران میفروشند، صفهای مصنوعی بوجود می‌آورند، شایعه‌سازی میکنند و در تضعیف روحیه مردم میکوشند، ضدانقلابند و باید با آنان بمثابه ضدانقلاب رفتار شود. اینان دراوضاع سرنوشتم دشمن‌اند و باید با آنها نرمش و مدارا داشت. اقدامات سوءیـ. بحق و سنجیده دولت، میتواند فعالیت تخریبی این‌سنون پنجم را حتی کند.

کانون صنفی فرهنگیان به‌دانش آموزان، معلمان و مسئولان آموزش‌وپرورش هشدارمیدهد

کانون صنفی فرهنگیان، طی اعلامیه‌ای تاریخ ۵۹/۶/۳۰، خطـ به‌دانش‌آموزان،معلمان و مسئولان آموزش وپرورش، درباره توطئه ایجاد تشنج و آشوب در محیط آموزش و پرورش هشدار داده است. در این اعلامیه آمده است:

«همزمان با کمپانی سـدارس رژیمدهی به گوش می‌رسد کـه عنصر وابسته به رژیم گذشته و ساواکیها و کـارگـه پیشرفت و تحکیم انقلاب بزرگ ضد آمپـر- یالیستی ایران بنحوی جلوی‌غارت- گرپها و عمل مایشی‌های آنها را گرفته،می‌خواهد با استفاده ازبرخی ندامیکاریها و اقدامات نادرست و نارسائیهای موجود در آموزش و پرورش، محیط تحصیلی فرزندان‌ما رابه‌آشوب‌وتشنج‌بکشاند.رادیوهایی رابه‌آشوب‌وتشنج‌بکشاند.رادیوهایی که بدست مزدورانی چون بختیار، اویسی و بالیزان و تحت نظرسازمان جاسوسی سیا اداره‌می‌شوند، نیز به این شایعات دامن می‌زنند.

بی‌گمان اقدامات‌جدی ونسجیده‌ای دروداد گوناگون در وزارت‌آموزش و پرورش انجام گرفته است. آماده نکردن فضیلی از کتابهای درسی برای توزیع در اول سال تحصیلی، اخراج و بازنشسته کردن افراد پاك و مومن به انقلاب و یا بی‌خطر برای انقلاب با شتابزدگی و بدون مطالعه کافی، همزمان با طردعوامل ساواکی و وابستگان رژیم گذشته، عدم‌اتخاذ یـك خط‌مشی اصولی در وزارت آموزش و پرورش، منطق با بنازهای جامعه انقلابی ایران که می‌بایست در جهت وازگون ساختن نظـام آموزشی غلط گذشته، که براساس هدفهای استعماری امپریالیسم‌تنظیم شده بود، باشد، عدم تغییر محتوی کتب درسی، تدارك ندیدن کلاسها و مدارس کافی برای میلیونهـا دانش‌آموز در سراسر کشور، جاه بجایی بی‌رویه معلمان و بخصوص تمید گرفتن از دانش‌آموزان برای محدود کردن‌فعالیتهای سیاسی‌آنان، دوسره‌کردن مدارس، که میرحال برای دانش‌آموزان و اولیاء آنـان مشکلاتی ایجاد خواهدکرد، و موارد عدیده دیگر، زمینه مطلوب را برای دشمنان انقـلاب، کـه در کمین نشسته‌اند، تا از هرگونه نارضایی نارسایی برای ایجاد بلوا و هرج و مـرج سوءاستفاده کنند، فراهـم خواهد ساخت.

اما معلمان و دانش‌آموزان‌انقلابی آن‌دست‌خاص‌خودوخته ومبگانه- پرست و عوامل مشکوك و یا افراد صادق، ولی ناآگاه نخواهند شد. آنان اجازه نخواهند داد که عوامل و سرسپردگان رژیم فاسدگذشته، که با اسلام‌پرستی هموز برخی ازآنان در محیط آموزشی ما جا خـوش کرده‌اند، مدارس را منشج سازند و با براه انداختن‌انتصاب وافشاش، در شرایطی که امپریالیسم‌جهانی، بسرکردگی آمپریالیسم آمریکا،این چندین قرن، این دشمن‌شماره‌یك انقلاب‌ایران، در پشت مرزهای کشور نیروها و تجهیزات خود را آماده حمله و سرنگونی انقلاب‌شکوهمند ما و درنتیجه محو استقلال و تمامیت ارضی‌ایران کرده است،جو مساعدی‌برای‌سیمین به اهداف شوم آنان فراهم‌سازند.

معلمان و دانش‌آموزان، با تمام کمبودها و نارسائیهاکه وجود دارد، نباید تحت تاثیر تبلیغات گمراه- کننده عوامل ضدانقلاب قرارگیرند. پدران و مادران زحمتکش‌با توضیح و تشریح مسائل و مشکلات انقلاب ایران نخواهند گذشت که دشمنان استقلال میهن عزیز با از احساسات پاك فرزندانشان برای اجرای نیات پلید خود سوءبرداری کنند. دانش- آموزان پاکطینت و انقلابی ایـن فرزندان رحمتکش‌ترین مردم ایران، که در سرنگونی سلطنت خاندان کثیف و روماییه پهلوی و تخم‌سلطه غارتگرانه و امپریالیسم ایران برمیافتد آمپر- یالیسم آمریکا نفش بس ارزنده‌ای را ایفاء کرده‌اند و خون پاکبیازی از صحنه‌مبرد با نیروهای اهریمنی شاه خائن خاك مقدس وطن را گلگون ساخت، بر- اساس رهنمودهای امام خمینی، رهبر کبیر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ما، خواهند توانست با وحدت‌کلمه و عمل، فتنه و تحریکات ضدانقلاب را خنثی سازند.

کانون صنفی فرهنگیان به‌همه معلمان و دانش‌آموزان کشورتوصیه می‌کند که با اتحاد و همبستگی و افشای هدفهای نامیمون محرکین و جو سازان‌مغرض کیون‌کوماپیشادگی کنند. باید به این عوامل فهماند که شرایط‌امروز ایران‌را با شرایط ۲۸ مرداد یکربع قرن پیش اشتباه نکنند. ایران امروز سرشار از شور انقلابی است و جوانان پیکارجوی‌ما برای حفظ دستاوردهای انقلاب و نگذاری استقلال میهن مشتاقانه به استقبال شهادت خواهند رفت. ما با صدای رسا بر سر ضدانقلاب‌فریاد می‌زنیم که با این بلشویشای مذبوحانه عرض خود میرود و زحمت ما می- دارد.

پیش بسوی ایجاد محیط امن و آرام و فراهم ساختن شرائط‌مطلوب برای تحصیل فرزندان ایران»

مردم سمنان درمرگ سربازشهید گریستند

★★★

در ساعت ۳ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۹/۶/۳۰، جـاره سرباز شهید، کورش ارجمند زاده که در درگیری مرزی با مزدوران عراقی‌به درجه شهادت رسیده بود، بوسیله هزاران نفر ازمردم سمنان تشییع شد.

در این روز مردم سمنان‌درمرگ سرباز شهید گریستند. مردم در- حالیکه شعار می‌دادند:

«به خون شهیدمان قسم، کارتر ترا می‌کشیم

به خون شهیدمان قسم، صدام ترا می‌کشیم

جنازهٔ سرباز شهید را از میـدان امام خمینی، بطرف امامزاده یحیی بردند و در آنجا بخاك سپردند.

سازمان حزب توده ایـران در سمنان ـ نظیر همه سازمانهای‌حزبی در شهرستانها، طی نامه‌ای رسمیه سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی‌ایران، آمادگی‌خودرا جهت‌هرگونه‌همکاری برای همتایی به هدفهای بزرگ انقلاب ایـران، تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران و خنثی‌سازی توطئه‌های ضدانقلاب اعلام کـرده است. در این نامه ازجمله گفته میشود:

«ما داوطلبانه آماده هرگونه جانبازی در راه حفظ دستاوردهای بزرگ مردم ایران و در راه‌تثبیت جمهوری اسلامی ایران هستیم».

بازهم رد کردن مارکسیسم مدروز شده است!

مطالبی که در این زمینه گفته و نوشته میشود، دارای پایهٔ سندی، استدلالی وعلمی‌واقعی نیست. آموزشی را رد می‌کنند که دوست انقلاب است ودشمنان در مقیاس وسیعی گمگ معنوی می‌رساند.

رد کردن مارکسیسم در ایران سخت مد روز شده است. افراد و مطبوعات وقت و جای زیادی برای این کار مصروف می‌کنند. کتاب‌ها و جزوات رنگارنگی منتشر می‌شود. در واقع این کار در ایران تازگی هم ندارد. در دوران طاغوت هم روش کاربه همین قرار بوده است و حتی برخی از مولفان و سخنرانان امروزی، در آن روز هم به همین "شغل شریف" اشتغال بوده اند.

مارکسیسم را از همان زمان حیات مارکس رد شده، کهنه شده، مغلوط و بی معنی اعلام‌داشتند. ولی هرچه زمان گذشت، دامنهٔ نفوذ این آموزش، که دارای جوهر علمی، واقعی و استدلالی است و از بطن و متن تاریخ بشر سر برکشیده و به آن خدمت می‌کند، آشکارتر شده است.

امروز لازم نیست ما در بارهٔ نفوذ این آموزش سخنوری کنیم. چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است. رد کردن‌های دست پاچه امروزی سرمایه‌داری جهانی نیز خود اعترافی‌است به عظمت این نفوذ.

حالا در ایران انقلابی هم چپ و راست مارکسیسم را رد می‌کنند: برخی‌ها با بیان‌آکادمیک و با مراعات حد معینی از نزاکت. ولی بعضی نیز با اشکال به کلی مبتذل و لحن ادعائی و تکفیری. ما البته از آن‌هایی که لااقل بحث علمی را به اسناد و فحاشی بدل نمی‌کنند، متشکریم. ولی متاسفانه باید بگوییم که این مباحثه و مناظره یکجانبه (!) با مارکسیسم، در بهترین حالات نیز دارای شرایط لازم یک مناظره و بحث علمی‌نیست.

امام‌خمینی دوبار، یک بار در دوران اقامت خود در پاریس و یک بار در ایران تصریحاً گفتند که به مارکسیست‌ها اجازهٔ سخن و به سخن آن‌ها پاسخ داده شود، ولی برخی از کسانی که خود را پیرو امام خمینی می‌دانند، خیلی از حرف‌های ایشان را عملاً پشت گوش می‌اندازند و از آن جمله همین توصیه‌ها را.

اگر بحث و مناظره است، که بحث و مناظره‌را باید موافق شرایط‌آن کرد. مناظره دو طرف دارد. اگر یک طرفه می‌خواهید رد کنید، پس لااقل باید موضوعی را که می‌خواهید رد کنید، ابتدا به‌درستی شناسایی کنید.

امام‌خمینی می‌گوید: کتاب‌های مارکسیستی را نسوزانید، ولی می‌سوزانند.

امام‌خمینی می‌گوید: به مارکسیست‌ها فرصت سخن بدهید، ولی با تمام قوا می‌کوشند صدای‌آنها را خفه کنند.

امام‌خمینی می‌گوید: وحدت کلمه را حفظ کنید، ولی به جان هم می‌افتند و دیگران و همه را هم به جان هم می‌اندازند.

امام خمینی می‌گوید: دشمن شماره یک شیطان بزرگ امریکاست، ولی در عمل شوروی را به دشمن شماره یک بدل کرده‌اند.

امام خمینی می‌گوید: به ملی‌گرایان میدان ندهید. آن‌ها در عوض به لیبرال‌ها، یعنی ملی‌گرایان، هر روز امتیاز سیاسی و مطبوعاتی تازه‌ای می‌دهندو ... آن وقت خود را در خط امام هم می‌سرند!

امید است پیروان صادق امام‌خمینی، درهر جا که هستند، در میان مسلمانان و روحانیت مبارز یا در میان دیگر سازمان‌های اسلامی و نهادهای انقلابی (که ما اطمینان داریم که‌این‌نوع‌مسلمانان صادق و انقلابی کم نیستند) جلوی این نوع عناصر افراطی را که دارند روش‌های غیرانقلابی و استبدادی را جانشین روش‌های امام‌خمینی می‌کنند بگیرند.

به مطلب اصلی باز گردیم. صحبت بر سر "رد کردن مارکسیسم" است.

"رد کنندگان" ابتدا و از پیش خودشان خزعبلات سست و بی‌ربطی را به مارکسیسم نسبت می‌دهند و سپس خیلی راحت آن را "رد می‌کنند" یا در مواردی که می‌خواهند مستند صحبت کنند، نقل قول غلط ترجمه‌شده‌ای را، جدا از مطالب مالا و پایین کتاب، به شکل مجرد و با در هوا، می‌آورند و آن وقت تازه آن را مورد یک سلسله تعبیرات و تفسیرات غلط دل‌بخواه قرار می‌دهند وسپس به اصطلاح آن را "رد می‌کنند". این که باری شاه با لله است! به "ردکنندگان" رنگارنگ مارکسیسم باید گفت:

۱) مارکسیسم، به مثابهٔ یک آموزش علمی، تنها فلان‌نامه انگلس یا بهمان کتاب مارکس‌نیست این تئوری، طی صدوسی‌سالی که از عمرش گذشته، عجیب و غریب در کورهٔ علم و عمل و سیاست و اقتصاد بسط یافته و غنی شده و در هر مبحث آن دهها کتاب نوشته شده است. شما این تئوری را اصلاً و ابداً نمی‌شناسید و اطلاعات شما سمعی و جسته و گریخته و همراه‌با تعبیرات و تفسیرات دل‌بخواه و حتی گاه به کلی مودیانه وسفسطه‌آمیز وبرت است. این چه طرز رد کردن یک عقیده است؟ مگر آن که اصلا شما در این کارآدم جدی نیستید و بخواهید تنها تظاهری بکنید.

۲) وانگهی، مارکسیست‌ها با اسلام انقلابی در نیافتاده‌اند. مارکسیست‌ها بر عکس به اسلام انقلابی و نقش‌آن در انقلاب ایران نهیبت گفته‌اند، به سوی‌آن دست دوستی دراز کرده‌اند، از آن حمایت کرده‌اند. چرا شما عقاید ارتجاعی و امپریالیستی را رد نمی‌کنید و درست مارکسیسم را می‌خواهید "رد کنید"، (و آن هم چه رد کردنی!) که نالوده و شما بخواهید بانخواهید، متحد واقعی اسلام انقلابی در کارزار، مانیست. این چه اصرار در ایجاد دشمن مصنوعی و مسکوت گذاشتن دشمن واقعی است؟ این از روی حسن نیت است؟ معمای "مکنتی" یعنی این؟!

۳) مطالبی که "رد کنندگان" می‌فرمایند یا می‌نویسند، در بدترین حالات مستدل‌ودرپهترین حالات سوءتعبیر است. شرایط مناظرهٔ علمی در آن موارعات نیست. بانگاه زور است، یعنی‌موافق یک روش طاغوتی است. مخالف روش امام‌خمینی است که گفت، کتابهایشان را نسوزانید و بگذارید حرفشان را در بیانیه‌های گروهی بزنند. یک تنها حرفشان را در تریبون است. یک سوء استفاده از بی‌خبری ساده‌اندیشان دربارهٔ مارکسیسم است. عوام‌فریبی است. یک بهره‌برداری از آن زمینهٔ صدکمونیستی است که امپریالیسم در رژیم پهلوی بوجود آورده‌اند. یک نوع ردیف کردن اسنادات دروغ است. خلاصه شیوه‌ایست مکروه و ناپسند، که با معنویات و اخلاق اسلامی، که امام‌خمینی و یار وفادارش طالقانی نمونه‌هائی را نشان‌می‌دهند، تفاوت اساسی دارد.

۴) سرانجام آنقدر بحث‌های نسل نباشد و اول چیزی را که به خاطر حساب‌های سیاسی خود تصمیم گرفته‌اید، "ردش" کنید، باد نگیرید! این باد گرفتن به سود شماست و قسمی ارجمل‌ومعصب سحا و معص و دسیسی ناروای شما را چاره می‌کند. و اگر آدم‌های صادقی هستید، خواهید دید که حوس بی‌جا می‌رسد و با چیزی در افتاده‌اید که آموزش اجتماعی‌اش با سمت اجتماعی و تاریخی انقلاب ایران و خط‌امام در تناقض نسبت، پشتیبان آن است. دشمن را در جای دیگر جستجو کنید!

ایدئولوژی خارجی؟!

از مطبخ فرست و تزویر لیبرالیسم دست‌بخت زهرآلود نازهای بیرون آمد: "ایدئولوژی خارجی"!

روزنامهٔ "میزان" ارگان لیبرال‌های بیرو خط برژنسکی "مقامات مسئول" را سرزنش می‌کند که "مرز آزادی و تساهل را تا حد تحمل عضوی از ایدئولوژی‌های خارجی پیش برده‌اند" و "تبلیغ بعضی از ایدئولوژی‌های خارجی را، که نحله‌شان با دین و مذهب اظهر من‌الشمس است، مشمول گذشت و اغماض قرار می‌دهند".

واقعا تاریخ لیبرالیسم در جهان و در ایران سرتا پا دو روئی، حیله و فریب‌کاری است. لیبرال‌ها درباره‌ٔ آزادی اندیشه، کلام، مطبوعات، دین و وجدان حیوارها کاغذ سیاه کرده‌اند و می‌کنند و خود را برچم‌دار حقوق بشر، هوادار قانون و برابری و ... نشان می‌دهند و حتی برای موقف ساختن دست عدالت، که گریبان حیانت‌کاران ساواکی و جلادان شاهنشاهی را گرفته است، اشک می‌ریزند، اما همگامی که منافع بلند مادی آن در معرض کوچک‌ترین محاطره‌ای قرار گیرد، حاضرند هر جنفنی و هر انسان جوگوئی را با قساوت یک درنده وحشی پای‌مال کنند.

مقصود لیبرال‌ها از "ایدئولوژی خارجی"، مارکسیسم است. ما فعلا کاری به این نداریم که لیبرال‌ها، با همهٔ ادعای آزادی‌طلبی، خودشان به روی ایدئولوژی‌های دیگر تعصب می‌کنند و دیگران را هم به بهاهم بی‌گذشت و اغماض بر ایدئولوژی‌های دیگر تحریک می‌کنند. در این‌جا می‌خواهیم درباره‌ٔ "خارجی" بودن ایدئولوژی‌ها کمی صحبت کنیم.

آیا نسبت دادن "خارجی" به ایدئولوژی — هر ایدئولوژی می‌خواهد باشد — پایه علمی دارد؟ تاریخ رشد تفکر اجتماعی جهان نشان می‌دهد که ایدئولوژی‌ها هرگز مرز نشناخته‌اند و نخواهند شناخت. تقسیم ایدئولوژی‌هاب "داخلی" و "خارجی" تنها در مکتب ملی‌گرایان اعراقی کم و بیش رواج دارد، زیرا تنها این کوته‌بینان هستند که هرچیز "غیرملی" را به عنوان "خارجی" نفی می‌کنند. اسلام و ایدئولوژی اسلامی نیز در نظر یک ناسیونالیست بی‌گیر، فقط‌به همین دلیل که "ملی" نیست، مردود است. اگر فردی ملی‌گرا، "مارکسیسم" را آن دلیل که "غیرملی" و "خارجی" است، نفی کند، بر او خرجی نیست. او با "نفی" مارکسیسم به عنوان یک "ایدئولوژی خارجی"، از دایره منطق تفکر ملی‌گرای خود خارج نشده است. اما کار به آن لیبرال مروزی که ادعای "اسلامیست" را نیز بدک می‌کند و ایدئولوژی‌ها را به "داخلی" و "خارجی" تقسیم می‌کند، درچارچوب هیچ معیار و ضابطه‌ای نمی‌گنجد. او درادامه منطقی این طرز تفکر با باید در صف ملی‌گرایان جای گیرد — و دمونترب باقی بماند و از "اسلام" خود نیز دست بردارد و یا در حنطهٔ امپراسیو-نالیسم ایدئولوژی‌ها بماند و دیگر هیچ ایدئولوژی را "خارجی" نداند.

اما چنحوی ربط منطقی در لیبرالیسم کاری بیهوده و عبث است. لیبرال‌ها همهجا و همیشه در اندیشه و عمل دو رو بوده‌اند و کردارشان هرگز با گفتارشان مطابق نبوده است. آن‌ها در پی افکاری می‌دوند و افکار خود را به لباسی درمی‌آورند که اهداف طبقاتی‌شان بتواند بهتر خدمت کند.

اکنون در صحنه **حیات اجتماعی ایران گروهی** از لیبرال‌ها پیدا شده‌اند که می‌خواهند "اسلام" و "ناسیونالیسم" هر دو را به خدمت منافع بلند استعمارگرانه‌ٔ خود درآورند. مخالفت آنان با مارکسیسم و نکته‌ش بر این‌که مارکسیسم "تضادش با دین و مذهب اظهرمن‌الشمس است" و تقسیم ایدئولوژی‌ها از طرف آنان به ایدئولوژی داخلی و خارجی، از همین سرچشمه آب می‌خورد.

لیبرال‌ها امدوار بودند و امدوار هستند که "اسلام" راه‌کمک "ملی‌گرایان" به محرابی که به وسیله آن سم‌گران و ساهان هزار و چندصدسال مردم را جابیده‌اند، بار گردانند و اسلام انقلابی، اسلامی را که امام خمینی سلیح می‌کند و بر ضد "قولدران، ملتکداران و سرمایه‌داران" است، از صحنه حیات اجتماعی ایران بیرون کند. سوسس آنان به خمینی انقلابی ایران، که زیر پرچم اسلام خمینی اوج گرفت و پیروز شد، سر از هر حمر به منظور استفاده از نفوذ امام‌خمینی و روحانیون مبارز، برای تثبیت سرمایه‌داری مبهای نظام شاهنشاهی بود. امروز ما می‌بینیم که لیبرال‌ها، با آن که خود را پیرو خط امام می‌نامند، این خط‌را در مهم‌ترین مسایل سیاسی و اجتماعی و در راس آن مبارزه با امپریالیسم و در مورد تحدید مالکیت و تعدیل ثروت به سود مستضعفان آشکارا و با زیر پرده، با تعبیرات و تفسیرات خاص خودشان از آیات قرانی و احادیث نفی می‌کنند. خصوصت آنان با مارکسیسم نیز در همین مسایل گرهی انقلاب ایران است. مارکسیسم، با استدلال و منطق علمی ثابت می‌کند که دشمن اصلی خلق‌ها، امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست، نظام سرمایه‌داری — زیربنای لیبرالیسم — محکوم بمرگ است. ایدئولوگ‌های لیبرالیسم می‌گویند و می‌نویسند که توطئه‌های امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران "فرضی" است و "چون واسیعاً نمی‌باید" واسیعه نمایم". آن‌ها می‌گویند و می‌نویسند که آن "اسلامی" که طرفدار تحدید مالکیت است، اسلام حقیقی نیست و مباین‌از مارکسیسم است. لیبرال‌ها می‌خواهند جلوی عمیق‌شدن انقلاب را بگیرند و نگذارند انقلاب به مسئلهٔ مالکیت، که در تمام انقلاب‌های جهان مسئله گرهی و بنیادی است نزدیک شود و با تعدیل و تحدید مالکیت‌های نامشروع، که هر مالکیت بزرگ سرمایه‌داری حرامش نمی‌تواند باشد، گامی به سود زحمتکشان بردارد. دشمنی آنان با این ایدئولوژی "خارجی"! سر به همین دلیل است.

در مبارزه با این "ایدئولوژی خارجی"! همه لیبرال‌ها و ملی‌گرایان و سایر هواداران سرمایه‌داری وحدت نظر دارند و بر آن حمله می‌کنند، هریک به زبانی و بنامی. اما اگر بوسه‌گفتار و رفتار آن‌ها را شکافته، معبر را برداریم، می‌بینیم تمام این حملات یک انگیزه دارد و آن نگاه‌داشتن توده‌های مردم در اسارت نظام سرمایه‌داری‌است.

مبارزه با این "ایدئولوژی خارجی"! بیش از ۱۵۰ سال در جهان سرمایه‌داری ادامه داشته‌است. اما این ایدئولوژی به دلیل علمی بودن و منطقی بودن خود و دفاع بی‌گیر از منافع توده‌های مردم، بوسیه رواج بیشتری یافته است. می‌توان به حرات گفت که امروز مارکسیسم رایج‌ترین ایدئولوژی اجتماعی در جهان است.

لیبرال‌های پیرو خط برژنسکی، که در "میزان" سنگر گرفته‌اند، بیهوده تلاش می‌کنند که مارکسیسم را به عنوان "ایدئولوژی خارجی" بدنام کنند. بیهوده سعی دارند "ایدئولوژی خودشان را بنام "اسلام" بر مردم تحمیل کنند. اگر سوال می‌شود ایدئولوژی‌ها نام "خارجی" گذاشته‌اند این ایدئولوژی لیبرال‌های به ایرانی است که از سرتا پا، از مکتب محیط سرمایه‌داری غرب گرفته شده و در زرق‌ورقی از عبارات "اسلامی" برای فریب مردم پوشانده شده است.

اسلام اصیل، اسلام انقلابی، اسلامی که امام‌خمینی و سرمبنی‌ها و طالقانی‌ها و دیگر وارستگان از قید سرمایه تسلیح می‌کردند و می‌کنند، با "اسلام" لیبرال‌ها بمادآشتی‌ناپذیر دارد. زیرا اسلام امام‌خمینی طرفدار جامعه قسط و عدل است، که لیبرال‌ها هرگز نمی‌توانند آن را بپذیرند.

ایدئولوژی‌ها به داخلی و خارجی تقسیم نمی‌شوند، بلکه بطبقات تقسیم می‌شوند. اصطلاح "ایدئولوژی خارجی"! یک عوام فریبی دیگر لیبرال‌های پیرو خط برژنسکی است، و عمر این عوام‌فریبی نیز مانند سایر عوام‌فریبی‌هایشان کوتاه است.

اجرای فوری اصل قانون اساسی درمورد ملی کردن بازرگانی خارجی وایجادبخش دولتی درتوزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری ازغارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محتکرانست

اخبار کارگری

در کارخانه ماشین‌سازی «فریناکو»

کارخانهٔ "ماشین‌سازی" فرساکو" درکیلومتر ۷ جادهٔ ساوه، رودبرق سرچاور قرارداد. این کارخانه پس ازاعلام حرّه کارخانجات ملی اعلام شده است و درحال حاضر سرپرست نظارت بارمان صنایع ملی شده، به‌سرپرستی آقای محمود هنه‌ای، اداره‌میشود.

محصولات این کارخانه عبارتند ازصحنی وری، بری، خم کن، ماشین‌سه‌کاره، ماشین‌سخ‌کاره، نجاری، اره‌های تسمه‌ای نجاری، پرس‌صرعه‌ای و پیرس‌هیدرولیک. محصولات فوق‌تمام‌دربالین ماشین‌سازی کارخانه تهیه‌میشود. همچنین کارخانه‌دارای یک‌سالن محواست، که‌صرفا رادیاتورنوماز می‌دارد. تمام قسمتهای ماشینهادرکارخانه‌"ماشین‌کاری ومونتاژ میشود، وقطعاتی که احتیاج به‌ریخته‌گری دارد، به خارج ازکارخانه سفارش داده میشود. ساراس می‌توان گفت که‌تمام اجزاء ماشینهای ساخته‌در داخل کشور تهیه میشود. درصورتیکه ورق آهن مورد نیاز را نادازخارج کشورواردکردو هم‌اکنون سرورق آهن مورد نیاز رابن وارد میشود. محصولات کارخانه در حال حاضر، قبل ازاساخته‌شدن، مفروش میشد. البته این بدلیل کیفیت خوب آن نیست، بلکه‌به‌علت کم شدن واردات ماشین است.

ماشین آلاتی که‌در"فرساکو" ساخته می‌شوند، مانند تمام ماشین‌آلاتی که‌دراین ودرکارگاه‌های بزرگ و کوچک ساخته میشود، براساس‌طرح‌وساخت‌وبه‌ساخته‌میشوند، بلکه ازروی ماشین‌آلات‌خارجی موجود کپی می‌شود.

ساخت این وسائل بدینگونه‌است که، قطعات مدل ازهم جداشده وبه‌شخص ماشیکار، که‌مطورمتال سازکار قطعات رااز‌روی مدل سفوه می‌دارد وبالها اسکار رانکرار میکندو اختیاج به نقشه وطرح ندارد. دراین روش، که‌سرمایه‌اصولی‌وصحیح ساخته‌شده، صنعات ودوباره‌کاری بسیار زیاد است وامکان برنامه ریزی سر جلب فعدان طرح ونقشه وجودندارد. هر نوع تغییری هم بروی طرح اولیه ودرجهت‌صلح‌کردن آن باشرایط محلی، امکان بذیرنیست، زیرا هیچ قطعه‌ای از روی نقشه واستاندارد تهیه‌نمیشود. درنتیجه‌قابل تعویض نیست واین سوءخود سرای سازندگان ومصرف کنندگان مشکلاتی سارآورده‌است.

بدین معنی که‌اگرماشینی خراب شود، چون اعداد و اندازه‌های آن قطعه ازروی نقشه مشخص نیست، ناباید ماشین رادور انداخت وبادرکارخانه، نادرنظر گرفتن محل قطعه واعداد آن، باید نسخه‌قطعه را سازد. ازنظرفنی، سوماشینها درحالت‌مناسب سبب واندازه‌های طرح بولتبال سهم خورده وبدلخواه، بدون نقشه، عوض شده است. این معایب قبل‌ازاعلام وجود داشته و دارد.

از فروردین ماه‌امسال، کمیته‌ای بنام کمیته‌هماهنگی ماصنایع ملی شده، ازطرف دانشکده‌فنی تشکل شده‌است و کارآن عبارت است‌ازساس‌یاکار، حاجات ملی شده وگرفتن کارآزمایشهاودانسجو، که‌بصورت پروژه‌اشکالات رافرع کند. هدف اصلی ازاین‌کار، اصلاح دروس دانشکده درجهت احتیاج صنایع است. کاراین دانشجویان درکارخانه‌عبارت است‌ازطراحی ماشین‌آلات. این طراحی بصورت اصلاح ماشین درجهت مناسب کردن کارآن بصورت مگردو یابصورت موضع‌کردن بعضی قسمتهای‌ماشین است که‌ماندرنظرگرفتن وظایف آن جزو زیادی سرای کارخانه وارد. این طرح باعث درک فنی ماشین‌شده‌و امکان این‌امرشده که‌متوان آنرابرای یک عمل‌مخصوص طراحی کرد. این کارآموزان حتی میتوانندیک‌ماشین را، که‌دربازار موردانحیاج است، طراحی کنند، البته امکان مسلّوم داشتن وسائل‌موردنیازواستفاده ازآخرین دستاوردها وتجربیات کشورهای پیشرفته‌در این زمینه است.

این مسئله رابایددراعتاد وسعتری‌موردتوجه قرارداد، زیراکه بعنوان آن راتنها محدودبه یک کارخانه وبعداد محدودی طراح کند. امروزه شروع طراحی ازصفر وتکرارهمان آزمایشها وتجربیات انجام شده، که‌درکشورهای پیشرفته‌جهان صورت‌گرفته است، کاری غیرت وطولانی است. تاکنون گرفتن درزمینه‌طراحی وساخت وسائل وماشین آلات موردنیاز ازاین کشورها واستفاده ازآن دربداشگاه‌های کشور و درانحصارگذاشتن آنهاجهت استفاده‌عموم طراحان صنعتی، بعنوان‌درجهت استقلال‌صنعتی کشوراقدام کرد وگامهای بزرگی را در راه رهایی‌ازوابستگی به امپریالیسم به‌جلو برداشت.

به‌خواستهای کارگران شرکت ایتالیایی «جی.آی.ای» جامهٔ عمل بپوشانید

کارگران شرکت ایتالیایی "جی.آی.ای"، که طرح بروژه‌بزی منطقه‌ای بندرعباس واحداث چهار سیلوگاه سرق کاری رادردست دارد، ازحاضرشدن سر سرکارخودداری کردند. کارگران دربی اقدام خود خواستهایی راسان کردند که عبارت بوداز:

۱ـ آماده‌دستمزد (درمورد‌کارگران متخصص و فنی مانند: جوشکار، نجار وغیره).

کارفرمای ایتالیایی شرکت کارگران متخصص را بدلخواه خوددرجه‌مدی کرده بودوبه آنها حقوق‌و مزایای متفاوت پرداخت میکرد. این عمل موجب اعتراض کارگران شد. عدهٔ کارگران فنی ومتخصص سر خواهان برخورداری ازحقوق ومزایای متخصص بالاتر بودند.

۲ـ بدی غذا. برای هرنوعه‌بدا ازکارگران ۱۰۰ ریال دریافت میشود. اماکیفیت آن موردا‌عتراض کارگران است. مبلغ غذای هرهفته از بیش دریافت میشود. بیهس دلیل غذا رابه‌هرشکل وکیفیتی که باشد، به کارگران میدهند.

۳ـ فقدان وسائل ایمنی. برای سومه گروهی‌از کارگران باشم شیشه سروکارداریم. بیشتر شیشه‌بدن آنها می خسد وباعث باراحتی آنهامیشود. کارگران خواستار تهیه‌خمام برای بعدازکار هستند.

۴ـ ارتقاء شغلی. کارگران میگویند که آنهابار مطر تخصص به‌درجات بالاتری رسیده‌اند وخواستار بدکاراآنهاامتحان تخصص بعمل آید. همچنین کارگران اعتراض داشتندکه هنگام بیماری یکی‌ازافراد خانواده وبانارهای فوری دیگر، به‌آنها مرخصی‌داده نمی‌شود.

اعتراض کارگران دنباله‌ٔ اعتراضات قبلی‌است.

چرا زمین در اختیار کارگران شهر صنعتی البرز قرار نمی‌دهید؟

شهرصنعتی البرز قروین شامل صدوهفتاد کارخانه بزرگ و کوچک و دارای بیست و پنج هزار کارگر است، که مادرنظرگرفتن خانوادهای آنان، حداقل صدهزارنفر را دربرمی‌گیرد.

ازآنجا که سرمویش نیازمندی کارگران را مکن تشکل میدهد، "کانون سوراهای اسلامی کارگران کارخانجات شهرصنعتی البرزقروین" اقدامات زیادی برای بدست آوردن مقداری زمین برای سکونت کارگران به عمل آورد. ولی مقامات مسئول شهر قروین گفتند: "زمین درشهر به کارگر داده‌نمیشود ودرمسیای شهرصفلی به عهرکارگراست".

درشهرصنعتی البرز حدود هفتاد هکتارزمین حیت خانه‌سازی‌وجوددارد. این مقدار زمین‌طرفیت ساخت دوهزاروپانصد الی سه هزار دستگاه خانه را دارد. ولی متاسفانه این‌مقدار زمین رادراختیار کارگران قرار نمی‌دهند.

کانون سوراهای اسلامی دائما درحال‌ویدگی برای بدست آوردن زمین برای کارگران بود. بالاتکه اطرف عمران اراضی شهری بسیاردانه‌سازی در رساشهر (۱۴ کیلومتری قروین) برای کارگران بند.

باتوجه به اینکه رساشهردرساسای دوراز شهر قروین قرارداد و کوچکترین امکانات رفاهی‌هم در آنجا فراهم نیست، با این حال تعداد هزارنفر از کارگران سالیکودرآن محل مواقعت کردند. مامقامات اطرف مقامات مسئول با سکوت کارگران درساسان هم مخالفت‌ند.

درباره‌ای که ارجانب کانون سوراها... به شهرداری قروین نوشته شده، آمده است:

"آنا با اس وصعف کارگران، ما خوبوجوددر کشور، از انقلاب مانوس نمی‌شود". آنا زمینه برای سوءاستفاده از احساسات کارگران، برای سفرقه اندازی مناسب نمی‌شود؟

مقاصا داریم برای حل‌این مسئل کارگران دسور سریع و قاطعی بفرمائند. با اتنا الله به کمک حدادوند متعال و رهبری امام کبیرمحیس سب سکن و یاروی برمان کارگران، خروجهای انصفادی مملکت راخرجه میسر و باروحهای مادرسرمه‌گرفته قرارورب".

تامین کار برای کارگران بیکار، یکی ازنخستین وظایف دولت انقلاب است

جاشو ـ دریای انسان گونه: خشمگین و مهربان

جاشو ـ دریای انسان‌گونه. خشمگین و مهربان

بروزی کشتی‌های تجاری کار انگلیه انسان‌هائی لاغر و سوخته، برخیت و خوش، با عصبی خاص، به این طرف و آن‌طرف می‌روند وبعضی سر درباره اطاق کشی، معموم و ساکت. تادرحال کمنگو، سیاه‌اند، وبعی جاشوهالنگر کشی را می‌کنند و خنثی را سرک می‌کوشند. دیگرمال دریا هستند. سنها و روزها درسیر گسرده دریا ره میپیارند. قلب زندگی مضطربانه می‌تپد و قلب جاشو سرسرای مرگ با زندگی، با اضطرابی دوچندان به طپش می‌اندد.

جاشو سر موسرسرائی است. سرسائی خشمگین و مهربان، درسائی که صنع بان وزندگی و مصرطوفان و بسی است.

برای ساختن سنترجاشوها و متکیلات زندگیشان و شنیدن درد دلهایشان، به اتکاء کمرک بوشیم رفتیم و با آنها به گفتگو نشستیم.

یکی از آنها انطور سخن می‌گوید:

"ماجاشوها آدمهای بیتجاره‌ای هستیم. اصلا به کارمون معلومه، نه زندگی‌مون، روی کشتی‌ها کارگری‌می‌کنیم، میریم بو آبهای سیاه معلوم نیست زنده‌مون با مرده‌مون برگرده. الان دوماهه بیکاریم. فبلا کوبت و بحرین می‌رفتیم، بار می‌بردیم وبارهم می‌آوردیم. فعلا رفس به بحرین قدغن شده، باید همینه حالی کنیم، نگله (سیمهای سنگین‌احساس) کول بزنیم، نانه لقمه‌ٔ نون برای زن وبچه‌مون بهیه کنیم.

جاشوها ـ کارگران کشتی‌های تجاری‌ومونورلنچ‌ها

جاشوها بادفعل از مسافرت کشتی رابشود بارها را تادا‌خل کشتی حمل کنند و درانگله‌مقصد سر آن را خالی کنند. کالائی که ازمبدری برند، معمولا میوه و برمار و روغن نباتی است، که برای کشورهای عربی حوزه خلیج فارس حمل می‌شود و احیاتی که می‌آورند شامل سجیال، پیکه، البته خارجی، کولر و سایرلوازم زندگی است.

دسمزد آنها بدین صورت پرداخت می‌شود که صاحب کشتی، نصف کرایه‌حمل بار را برای خود برمیدارد و نصف دیگر را به جاشوها میدهند. ماشین خودشان بقسم کنند. مقدارپول هم بستگی به این دارد که تعدادجاشوها چندنفر باشند. درمعمتی کشتی‌ها ۶، بعضی ۱۵ و بعضی ۱۲ و ۱۴ نفرهستند واین هم ارساط‌ا طرفیت باکرکی کشی‌دارد وقتی کمی بیشتر بجاماندیم، دیدیم که جاشوهای بیتری دور وبرمان جمع شده‌اندوهرکی درد دلی دارند:

"آنا بیمه نیستیم، زندگی ما به هیچ بسته است، مرگ و زندگی‌مون معلوم‌نیست، کارماطاقت نرساند، زیستن و نابودی بیتاریم...

گلاره حیلی زیاد است. یکی از آنها میگوید: "هرروزی‌آنم بدون مرد، آرصح ما غروب درکشتی‌می‌مانم، با بطورانفاقی باری بیتاندوحمل کنم. روز حرکت هم بفت و گازوئیل و آذوقه‌ٔ کارگران توسط صاحب کشتی خریده می‌شود، ماعدا بولیس را ارسیم ما کم کند. بعضی وقتها میریم کویت، بحرین و اوبخا مجبورمیشیم بحاطرخرابی هوا ۱۰ تا ۲۰ روز بیتوبیم.

از سدیکا بپرسیدم، گفتند:

"سدیکا نداریم. البته شیرهای کوچک مثل گناوه، سدیکاداریم. مکنارمی خواستیم درسجد جامع عطار بوشیم سدیکا تشکیل بدهیم، اماجیور نشد".

یکی از جاشوها اروپه کیورهای مرتی سنگاسب مکند و آنکه ارزش پول ایران ناشی آمده و کشتی ضرر دیده‌اند. می‌گوید:

"فعلا بوجوش هره۱۰۰ تومان ۲۵ روپیه می‌ارزیند. الان هره۱۰۰ تومان معادل ۲۵ روپیه‌بده و واقعا برای ما مشکل وزحمت‌دیده است.

جاشوی دیگری می‌گوید:

"آزادی آقا، آزادی که باشد، همه حی هست، الان ماخدا را بشکرمی‌کنیم که رئیس‌جمهور آمریکا بسم نام دولت خودمون هستیم. اگرکرکی هم بکنیم اشکال نداره، چون دیگه مشلک مال خودمونه.

از آنها خداحافظی‌میکنیم. لبخندهای سپاسگزاری بدرقه‌مان می‌کنند.

جاشو: زندگی ما به هیچ بسته است

از کارآموزان «آموزشگاه حرفه‌ای» در بالایشگاه آبادان استفاده کنید

درسال ۱۳۱۲ شرکت عاصب نفت انگلیس و ایران، برای رفع کمبود کادرفنی و باسیس افراد مخصوص جهت اداره "امورپالایشگاه آبادان، دست به ایجادچندین مرکزآموزش درنقاط مختلف بالایشگاه گاه‌زد. این مراکزابتدا بفشت بازانگیزی درکار خود موفق نبودند. سپس قلب آموزشگاهها رابطور مجمع درباخته، بهتر، کوی کارگر، ایجادکردند. در این آموزشگاه ابتدا افراد ۱۳ تا ۱۵ سالها، که یا باسه تحصیلات سیر ۶ یا ۷ کلاس بود، استخدام می‌کردند. این مورشگاه بصورت شبانه‌روزی اداره‌میشد و دوره‌کارآموزی از دوسال بود، تشکیل آن جهت آموزش طبرکاری وشکال سر برای رشته‌ٔ مخصوص بود. کارآموزان پس از اتمال به بالایشگاه ودیگرقسمتهای صنایع نفت مشغل میشدند وبه سال دوره‌ٔ مخصوصی دیگر آموزش جهت کارمی‌بودند. پس ازچهار تا ۵ سال، هریک ازکارآموزان دوره‌های مختلف، از قبیل فلزکاری، جوشکاری، تراشکاری، برق، مکانیک عمومی، آبکشی، تعمیرات اتومبیل، تعمیرات اتوبوس، لوله‌کشی، تعمیرات ابزارهای مالی، رنگ‌کاری، نقاشی، ابزارسازی، ابزارسازی، تعمیرات ابزارهای اندازه‌گیری، تعمیرات ابزارهای الکتریکی، تعمیرات ابزارهای الکترونیکی، تعمیرات ابزارهای الکتروشیمی، تعمیرات ابزارهای الکترومکانیکی، تعمیرات ابزارهای الکترومغناطیسی، تعمیرات ابزارهای الکترومغناطیسی، تعمیرات ابزارهای الکترومغناطیس

پیام سازمان جوانان تودهٔ ایران به سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد) به مناسبت کودتای امریکائی در ترکیه

رفقای عزیز!

امپریالیسم جنایتکار آمریکا یک بار دیگر چهرهٔ واقعی خود را، که می‌کوشد درپشت ماسک "حقوق بشر" پنهان سازد، با براه انداختن یک کودتای ضدخلقی درکودتوشما، بسرکردگی فرماندهان خود- فروخته ارتش ترکیه، نشان داد.

کودتای آمریکائی درترکیه چندان غیرمنتظره نبود. آریک سوترکیه، بعنوان عضویمان ناتو و پایگاه مهم نظامی آمریکادرمنطقه، از ثبات وموقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سامعدی برخوردار نبوده و بحرانهای متعدد و مزمن و تشنجات متعدد سیاسی -رشد روزافزون اعتصابات کارگری وناراضایتی زحمتکشان و درنتیجه اوجگیری جنبش انقلابی در میان اقشار و توده‌های وسیع جامعه -این پایگاه نظامی آمریکا و عضو ناتو را درسی‌ثباتی دائمی‌قرار می‌داد.

ازسوی دیگرپیروزی انقلاب شکوهمندمردم ایران وپیروزی انقلاب دمکراتیک مردم افغانستان واستحکام مبانی اتحاد و همبستگی کشورهای عضو جبههٔ پایداری دربرابرتجاوزاسرائیل و درمجموع ، افزایش تغییرتناسب قوا به سود نیروهای انقلابی‌وضدامپر- یالیستی درمنطقه، عاورمیانه و درسطح جهانی امپریالیسم آمریکا را باشکستی جبران ناپذیر روبرو ساخته است.

به همین علت امپریالیسم آمریکا برآن شدتابا انجام کودتای نظامی درترکیه بدست ژنرال‌های عالی‌رتبه وابسته به آمریکا و درنتیجه تحکیم پیوند آن کشور با پیمان تجاوزگارناتو، پایگاه تجاوزونوطئه خودرا درمنطقه تقویت کند.

مردم و نیروهای انقلابی ازمبارزات مردم میهن دوست و آزادیخواه ترکیه علیه عارتگری های امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران و زمینداران‌وابسته و اعتراض آنان علیه شرکت ترکیه درنوطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که درشرایط دشوار اختناق و سرکوب کودتاگران نظامی ترکیه، صورت می‌گیرد، به خوبی واقفند و پشتیبانی و حمایت خود را از مبارزات قهرمانانه مردم ترکیه اعلام می‌دارند.

رفقای عزیز!

سازمان جوانان تودهٔ ایران درشرایط کنونی از وظایف حساس و پرمسئولیت شما به مثابه پیشاهنگ جنبش انقلابی جوانان ترکیه، که همواره دوش بدوش طبقهٔ کارگر و سایرزحمتکشان ترکیه در راه اعتلای جنبش انقلابی درآن کشور حاضرانه رزمیده‌اند، آگاه است و پشتیبانی قاطع خودرا از مبارزات شما و همهٔ مردم ترکیه اعلام می‌دارد.

سازمان ما به همراه همهٔ مردم و جوانان انقلابی ایران، موج دستگیری شخصیتها و مبارزان ضد- امپریالیست دمکرات و ترقیخواه را درکشورشما محکوم می‌کند و پیروزی و موفقیت شما را درپیکارضدامپریا- لیست و دمکراتیک خواهانست.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

زنده باد مبارزهٔ دلیرانه سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد)!

زنده باد همبستگی بین المللی جوانان در مبارزه بخاطرصلح ، دموکراسی و ترقی اجتماعی!

"سازمان جوانان تودهٔ ایران"

۱۳۵۹/۶/۲۷

بخوانید وبخندید وهشیار باشید!

تازه‌ترین خبر دروغ از دستگاه دروغ پراکنی امپریالیستی:

قطب‌زاده عضو حزب تودهٔ ایران است!

روزنامه "معتبر" و "مطلع" فرانکفورتر آلگماینه تسایتونگ ، که چندماه پیش دسته گل "با ندینج نفره - ایران" را ، به "رهبری عموزاده" خمینی (یعنی رفیق کیا نوری!) به آب داد ، به "شاه" کارهای خودادامه میدهد. این روزی است که بورژوازی بزرگ آلمان غربی از زبان آریا مهردوستی، به‌نام "ها رالد فوکه" ، که خودرا "ایران دوست" می‌خواند پیدا "ایران دیگر" (عنوان مقاله) افشاء است (۱۹ شهریور۵۹).

بدیهیست نه خواننده ، بسرای اینکه دریابد منظورنویسنده از "ایرانِ دیگر" چیست ، محبوراست جغتیات دوستوئیی او را ، ازجمله درباره "اناراپلمیو" ، که بزعم آقای فوکه ، یکی از "وجوه برتری فرهنگی ایران نسبت به کشورها همسایه است ، تحمل کند وبالاخره به این جمله‌های گویا برسد:

"آن ایران دیگر و بهتر ، رانه تنها در بختیار ، که درمها جرت پاریس بسرمی‌برد ، بایددید ، بلکه همچنین در جنبش زیرزمینی ، که به‌تدریج درشهرها ، روستاها وکوهستانهای ایران وسعت می‌یابد . این ایران آماده است‌تا برای میراث معنوی و آرمانهای دمکراتیک خود مبارزه کند. شایسته است که دمکراسی‌های غربی به‌این ایران اعتماد داشته باشند".

به این ترتیب ، آقای فوکه "ایران دوست" بالاخره در آخرمقاله خودرا لو می‌دهد: امپریالیست‌ها باید برای استقرار "ایران بهتر" (بخوان: برای فوکه وارباب‌ان امپریالیستش‌ان شود - آورنتر) ،به کمک های خود به بختیار و پاریس‌نشین و ضداتقلاب داخلی‌بیافزایند.

آقای فوکه ضمنا می‌خواهدبه خواننده بقبولاند که در ایران نه جز برای توده‌ایها ، برای کس دیگری آرادیوجود ندارد وبرای اثبات این مطلب به یک کشف تاریخی(!) نیزدست می‌یابد ،اما بگذارید آقای فوکه خود با زبان فصیح خویش سخن بگوید :

"بسیاری ازروشنفکران چپ ایران در دوران خمینی کمتر ازرفقاکه‌بورژواز با سلطنت طلب، خودرنج می‌بردند . بسیاری مسئولان حزب کمونیستی توده هستند ،که خود را مدتهاست با ملاهای آیت الله - بهشتی دمسازکرده‌اند ودراین روزهاکه چندان سازدنباز برای ایران ،رقدمی‌کنند. میگویند قطب‌زاده ، وزیرخارجه کنونی و مبارزدیرین وارزنده حزب- توده ، تنها عضوشورای انقلاب است که ازاین ا متیاز برخوردارا ست که هر وقت بخواهد ، می‌تواند نزدخمینی برود!

ما قماوت درباره اینگونه مهملاتها به عهده خوانندگان خودمی‌گذاریم ،که با این چنین "سیاسیون" های هدفمندانه طبع "سیاسی" و "ب.ا.ن.د.و..." آشنایی کافی دارند . فقط نمی‌توانیم این احساس‌خود- آفرینی خودرا پنهان سازیم که ،قطبزاده‌ها وارخرب انقلابی ماحاتی نیست ،تحفه‌ه آقای فوکه نصیب خودایشان باد!

روزنامه "معتبر" و "مطلع" فرانکفورتر آلگماینه تسایتونگ ، که

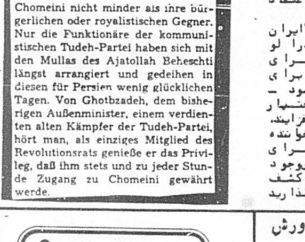
Das andere Persien
Von Harald Vocke
Viele Intellektuelle der persischen Linken leiden unter der Ära Chomeini nicht minder als ihre bürgerlichen oder royalistischen Gegner. Nur die Funktionäre der kommunistischen Tudeh-Partei haben sich mit den Mullas des Ajatollah Beheschti längst arrangiert und gedeihen in diesen für Persien wenig glücklichen Tagen. Von Ghotbzadeh, dem bisherigen Außenminister, einem verdienten alten Kämpfer der Tudeh-Partei, hört man, als einziges Mitglied des Revolutionsrats genieße er das Privileg, daß ihm stets und zu jeder Stunde Zugang zu Chomeini gewährt werde.

درجهان سوسیالیسم

در چهل سال گذشته هزینه‌های امنیت اجتماعی در اتحاد شوروی ۴۴ برابر شد

در چهل سال گذشته ، هزینه های امنیت - اجتماعی در اتحاد شوروی ۴۴ برابر شده و اینک به ۳/۴۰ میلیارد روبل رسیده است . از این مبلغ ،از جمله ، ۲۹ میلیارد روبل بابت بازنشستگی‌وه۱ میلیارد برای کمک هزینه‌های بیماری ،زایمان و کودک‌پرداخته می‌شود .

دولت شوروی هر ساله میلیارد ها روبل برای آموزش رایگان خرج می‌کند . هزینه‌سالانه هردانش- آموزه۱۸۰ روبل است .رقم یادشده برای دانش‌آموزان دبیرستانهای تخصصی و دانشجویان به‌ترتیب بالغ بر ۶۷۰ و ۱۰۰۰ روبل می‌شود . دانشجویانی که - نتایج تحصیلی‌شان خوبست ، ازدولت بورس‌میگیرند درحالی که ۱۵ سال پیش ، دولت ۰/۹ میلیارد روبل ازمبلغ صندوق مصرف اجتماعی‌بابت بورس دانش - جویان می‌پرداخت ،این پیکره اکنون به ۲/۵میلیارد روبل رسیده است.

در اتحاد شوروی هر کودکی ، که به‌مهدکودک می‌رود سالانه۵۵۰ روبل‌خرج برمی‌دارد .رقم یادشده برای کودکستانها ۱۷۴ روبل است .والدین تنها۲۰ درصدابن هزینه‌ها را می‌پردازند و بقیه را دولت تأمین می‌کند .

سالانه ۲۲ میلیون کودک شوروی تعطیلات‌خود را در اردوهای پیشاهنگی می‌گذرانند .هزینهٔ ماهانه هرکودک ۵۰ روبل است . برای حدا. درصدکودکان افامت دراردوها رایگان است . پیمانه درصد۹روبل و ۱۰ درصد ۱۸/۹۰ روبل می‌پردازند .

همه هزینه‌های یادشده‌از بابت صندوق‌مصرف اجتماعی تأمین می‌شود ، که قرار است در برنامه پنج ساله دهم ۳۰ درصد افزایش یابد .

درجهان سرمایه‌داری

پنجاه‌وهشت ماه مداوم ، ماهانه بیش از هزار شرکت ژاپنی ورشکسته می‌شوند .

چنانکه "بانک ژاپن " جندی پیش اعلام‌کرد ، شاخص قیمت های عمده‌فروشی در ژوئن در آن کشور درمقایسه‌باماه پیشین ، یک دهم درصدکاهش‌یافت . با اینهمه ، این شاخص ۲۰/۳ درصد بیشتر از پیکره - مشابه برای سال گذشته است .

افزایش سریع ارزش " ین " در دوران گذشته کاهش قلیل قیمت های عمده فروشی را درمه‌ و ژوئن در پی داشته است . از سوی دیگر ، قیمت عمده - فروشی مواردهای داخلی در ماه ژوئن پنج د هم درصد بالارفت .

در ماه مه ، ۱۳۸۲ کمپانی در ژاپن در ورشکسته شدند . پنجاه وهشت ماه مداوم ، که شماره - ماهانه شرکت‌های ورشکسته در این کشور بیش ازهزار است .

سوخی‌نیست ...!

دروغگو فراموشکار است

"- نگفتی نیست که روسیه براین کودتا (کودتای ترکیه) لب فروبندد وسکوت کند . . ."

(میزان- ۲۲شهریور ۵۹)

"- تاس حرکزاری شوروی ،اظهارداشت : آمریکادرکودتای اخیرترکیه دست داشته‌است . این حرکزاری می‌افزاید : حالب است تذکردهیم که‌اولین اخبار مربوط به کودتاتوسط دولت آمریکا پخش شد . (همانجا)

قطع حقوق کارکنان آموزش وپرورش کردستان

مدت ۶ماه است که‌حقوق بسیاری از کارکنان آموزش وپرورش استان کردستان پرداخت نگردیده است .

به این کارکنان ، که عالبدار آموزش و پرورش شهرهای‌سقز، مریوان ، دیوان‌دره، بانه واحدودی هم درسنندج به‌کارا‌شتغال دارند ، درموردپرداخت حقوق وعده‌هایی هم داده‌شده ، که‌تاکنون عمل‌نشده است . ضمنا "حقوق عده"ریادی ازمعلمین سنندج هم بدون دلیل قطع شده است .

قطع حقوق این کارمندان زحمتکش و همچنین تصفیه‌عناصرمبارزومومن به‌انقلاب ، خوسبار نا - سامعدی درکردستان ایجادکرده است . با توجه مقامات مسئول را به‌این مسئله‌حلب میکنیم .

درمطبوعات کشور

مجلس وگروگانها

بالاخره مجلس کار خود را بر روی مسئله جاسوسان آمریکائی آغاز کرد. و ملت اینك به برگزیدگان خود میبنگرد که چگونه و با کدامین روش این مسئله را میشکافند و با آن روبرو میگردد. تصمیم نمایندگان مردم مسلما نقطه ختمی بر راه طولانی مبارزه با امپریالیسم نخواهد بود، بلکه هر تصمیمی که دراین راه اتخاذ میگردد گامپیکری خواهد بود در راه تحقق مصالح انقلاب اسلامی ایران.

در طول دهها دقت، معنویت غربی و ایدهای آنها بسیار کوشیده‌اند که پرده روی‌اثرات گسترده این عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بکشند و دراین راه سیاستمداران دلباخته به غرب، که در حقیقت جاده‌صاف‌کن رجعت آمریکا بکشورمان هستند، کمتر از ایادی مستقیم امریکا نکوشیده‌اند. و همین چند روز پیش بود که در یکی‌از روزنامه‌های عصر، رجلی از این دست بدانشجویان‌تاخته بود و افترا گری را بطور تلویحی فاشی از تحریکات گروههای مارکسیستی نامیده بود! و این حمله به‌سیاسیه بود و نه‌غیرطبیعی، چرا که همین افتاگریها انجنان غیرعادی بر جریانهای لیبرالیستی درایران وارد ساخت که مدتها طول خواهد کشید، تا جراحتهای ناشی از آن التیام پذیرد. مگر نه اینکه شکست نفوذ لیبرالیزم در انتخابات مجلس و بدنبع این دولت بدلیل همین افتاگریها بوده است؟ ما علل کینه‌ورزی نیمه‌شبی‌ها و در رأس آن ادعای مهندس بازرگان، و نیز میتاپی و امثالهم را با دانشجویان پیرو خط امام حس میکنیم.

... بنظر ما پدیدیات زیر میتواند با حضور موثر خود در تمام برآوردهای ما، در تصمیماتی که میگیریم، موثر واقع گردند.

۱- آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند. و جمله بالا که یکی از فرازهای سخنان امام است است، باید بعنوان یك اصل و واقعیت دراین ماجرا پیشاروی ما باشد...

۲- باید همیشه بیاد داشته باشیم که دشمنی آمریکا با ایران‌یك دشمنی صوری نیست که با ختم مسئله گروگانگیری خاتمه یابد. ما اگر شروطی را برای آزادی جاسوسان قرار دهیم و اگر آمریکا این شروط رابرآورده سازد، ما نباید بلافاصله این نتیجه را بگیریم که همه‌چیز تمام شده و مبارزه ما با این نیروی مستکبر خاتمه یافته‌است...

۳- نمایندگان باید کار خود را با برانتخاب کابل به قضاوت غربیان دراین‌مورد بیاغازند و (میدانیم چنین نیز خواهدبود) ملت‌مسلمانان مداحلته شما در ایران‌احساس نمی‌کنیم. باید همه ملتهای عرب‌بفهمند و بدانند که حضور امریکا در خلیج تهدیدی است بر علیه حاکمیت ملی همه کشورهای مسلمان و مداحله مستقیمی است در امور ملتهای متحفه و مسلمین. باید به امریکا گفت که شما به‌بهانه ریاکارانه مبارزه با کمونیسم، ولی درحقیقت مبارزه با اسلام آیهای صلح واسلامی را به‌منطقه جنگی مبدل ساخته‌اید و در چنین شرایطی نه ما که همه کشورهای منطقه تضمینی برای وخالت آمریکا ندارند...

۴- آمریکا از هم‌اکنون دق نق خود را شروع کرده است که ما نمیتوانیم اموال شاه مخلوع را (که اموال بدهکرد رفته ملت است) برگردانند. میگویند این مسئله هم مشکل و هم اشکالات قانونی! دارد پیشنهاد میشود در عین‌حالیکه کمیسیون ویژه مشغول خود (و یا سایر وظایفی که مجلس بعهده آن محول خواهد ساخت) دنبال میکند مجلس به‌آمریکا اطلاع دهد تا عاصانان که با یك فرمان کارتر تمام دارائی- های ایران در آمریکا بلوکه شد یکی دیگر از آن فرمانها صادرگردد تا بانکها و شرکتهای آمریکائی صورت تمام اموال‌را که از شاه‌مخلوع در اختیار دارند اعلام نمایند بویژه بانك مرکزی نمایندگان باید اعلام نمایند که در ۲۵ سال اخیر و بویژه در ۱۰ سال اخیر چه معاملاتی را با شاه مخلوع انجام داده است.

و باید اعلام شود جفدر از اموال شاه باین بانك در آمریکا و شعبه‌های آن در سراسر آمریکا سرازیر گشته است. مسلما این اقدام تنانی خواهد بود برای آمریکا نشان بدهد که مایلند گروگانهای جاسوس آزاد گردند. ما مطمئن هستیم که توپ ضاتیه آمریکا قادر است باتوجه به اینکه در این بین مسئله فساد، رشوه و دزدی مطرح است از تمام بنگاههای عظیم مالی و صنعتی بخواهد تا تمام اطلاعات خود را در این‌زمینه اعلام دارند. ما باید بعموك آمریکا اطلاع دهیم که سندهای محکمپسندی مبنی بر رشوه‌گیری مقامات و بنگاههای اقتصادی آمریکا در دست داریم. روزنامه جمهوری اسلامی تنها در زمینه رشوه‌گیری رسانه‌های جمعی آمریکا از رژیم شاه‌مخلوع صدها اسم و اخبار فراوان دارد که در آینده منتشر خواهد ساخت.

۵- کمیسیون ویژه باید از آقای دکتر سنجابی، آقای دکتر یزدی، آقای شهریار روحانی و نیز وزارت امور خارجه بخواهد تا اسناد و اطلاعات مربوط به مراودات غیرقانونی مقامات سفارت ایران (در زمان شاه) در آمریکا را با رجال سیاسی آمریکا و نیز شرکتهای بزرگ در اختیار این کمیسیون قرار دهند و یا در این زمینه توضیحات لازم و قانع‌کننده خود را بیان نمایند.

(جمهوری اسلامی، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۵۹)

دولت موفت با امریکا در همین مسئله نهفته بود. آنان پیش از آنکه به «خود» بیندیشند به «خود» از درجهٔ قضاوت غربی می‌نگریستند و در کسب رضای گرتر و برژینسکی و... در مورد انقلاب اسلامی بودند. آنها از روی سادگی میگوئیدند تا حقانیت انقلاب اسلامی را به امریکا بفهمانند. آنها فکر میکردند که میتوانند به بنیادهائی دست بیابند که از طریق آن احترام سرمایه‌داران و جباران آمریکائی را بر له انقلاب ما برانگیزند و زهر خیال پوچ و باطل.

۶- درست است که ما با توجه به مصالح انقلاب اسلامی میرویم تا شروطی روشن برای آزادی گروگانهای جاسوس اعلام بداریم. در عین‌حال باید بدانیم که برای ارائه شروطی که بنفع انقلاب اسلامی و نیز تمام مستضعفان جهان باشد نباید دلبرداری از عدم پذیرش آنها از سوی آمریکا داشته باشیم. ملت ما از اینکه مدت مدیدی جاسوسان را گروگان نگهداری و یا آنها را محاکمه کند، بیمناک و نمیاندیشد ملت نیز باید چنین باشند. بسیار از غرب‌باوران کوشیده‌اند که چنین وانمود سازند که بالاخره با هر شرایطی باین گروگانگیری باید پایان داد. و چند هفته پیش وزیر امور خارجه در مصاحبه‌ای با یکی از همین مجلات سوسیولیستی، پیروزی کابینه رجائی را در گرو حل این مسئله دانست!! ولی باید توجه داشته باشیم که تبلیغات ایران بخاطر آستگه از مسئله گروگانگیری به‌تنها نفعی نبرده‌اند، بلکه صدمات جبران- ناپذیری نیز خوردهاند. آنها می‌اندیشند که ختم این مسئله می‌تواند به‌احیای پرستیژ سیاسی از دست رفته آنها کمك کند، و از این‌روی بسیار مهم است که در کمیسیون ویژه بررسی مسئله گروگانها کسی از این افراد نباشد.

۷- اگر جلس تصمیم‌گرفت تا شروطی را برای‌آزادی‌گروگانها عنوان نماید، مسلما دستورات امام نصب‌العین‌نمایندگان باید قرارگیرد.

۸- مسلما در این شروط ضمانتی از امریکا برای عدم مداخله‌در اوضاع داخلی ایران بدیهی خواسته شود و این ضمانت نه کلامی که باید جنبه عینی و عملی داشته باشند. باید به امریکا گفت تا هنگامی که نیروی شما در بحرین و شارجه و عمان حضور دارند و تا هنگامی که بحرین مرکز جسوسی آمریکا در منطقه است و تا هنگامیکه تفنگداران امریکائی‌چون‌دندان‌پزشکی‌در تنگه‌هرمز مستقرگشته‌اند و همه محیط‌ارام اقیانوس‌هند را باوجودخود، نودسماخته‌اند، ما تضمینی برای‌عدم

دربارهٔ دستمزد کارگران کشاورزی

در مرداد ماه، روزنامه‌ها خبر دادند که شورای عالی کار کشاوری، در دوازدهمین جلسه خود، که با حضور کلیه اعضاء، وزیر کار و امور اجتماعی، معاون وزارت کشور، معاون وزارت کشاورزی و عمران روستایی، معاون وزارت دارایی و ... ولی بدون نمایندگان دهقانان خرده‌پا و بیسمند و نمایندگان کارگران کشاورزی تشکیل شده بود، حداقل دستمزد کارگران کشاورزی تامل در بخش‌های زیر را ۵۸۵ ریال، از اول سرماه، تعیین کرد.

۱. فعالیت‌های مربوط به دامداری، (شیرورزی، تولید و پرورش ماکیان (مرغ، بوقلمون و غیره)).

۲. کلیه فعالیت‌های مربوط به شیلات (پرورش ماهی، رسوبرعسل، کرم ابریشم و صنعت پوستان).

۳. کلیه فعالیت‌های جنگل‌ومرتع و پارک‌های جنگلی.

۴. کارگاه‌های فنی و تعمیرگاه‌های وابسته به مجتمع‌های کشاورزی.

روشن است که بخش‌های مهمی از کارگران کشاورزی، وجمعا اکثریت آنها را، این تصمیم در بر نمی‌گیرد و سرنوشت آنها همچنان نامعلوم باقی مانده است. بدنبال تصمیم مزبور، رسما اعلام شد که کارگران سایر بخشها مانند آسیاها، دروگرها و کارگران کشاوری، که در باغات میوه به کار اشتغال دارند و آنانکه در پرورش گل و گیاهان زینتی فعالیت دارند و دیگر کارگران کشاورزی، از شمول این تصمیم درمورد دستمزد، مستثنی هستند.

تجربه‌های گذشته‌مان می‌دهد که تصمیم مزبور نتوانسته است مسئله دستمزد کارگران کشاورزی را به‌درستی حل کند. چرا؟

۱. تبعیض و تفاوت

در این تصمیم اولا: بین مزد کارگران کشاورزی (که اغلب در حومه شهرها به کار اشتغال دارند)، با دستمزد کارگران کارخانه‌ها و کارگاه‌ها واقع در شهرها واطراف شهرها تفاوت گذاشته شده است. جمعا در یک ده دیوار به دیوار هم، کارگرانی زندگی می‌کنند که یکی در کارگاه‌های شهری مشغول است و دیگری در امر کشاورزی، و ابدا "دستمزد" آنها تناسبی باهم ندارد.

ثانیا: بخشی از کارگران کشاورزی را هم، که در ۲ بخش مذکور مشغول هستند، به کنار گذاشته‌اند. و این بخش مستثنی شده، در بسیاری از شهرستان‌های کشور، اکثریت کارگران کشاورزی را تشکیل می‌دهند.

۲. عدم تطابق با واقعیات

بررسی‌های مقدماتی در روستاهایشان می‌دهد که دستمزد کارگران کشاورزی امروز در روستاها تفاوت اساسی با این تصمیم شورای عالی کشاورزی دارد. یعنی بدون در نظر گرفتن واقعیت و آن چه که در ده جریان دارد، تصمیمی گرفته‌شده، که عملا به درد کار نخواهد خورد. بدین معنی که هم اکنون سکه‌ها ناگزیرند دستمزد حدود ۸۰۰ ریال به کارگران کشاورزی در ۲ بخش مذکور بپردازد، زیرا اگر حداقل چنین مبلغی پرداخت نشود، کارگران ترجیح خواهند داد به شهرها مهاجرت کنند و در آنجا به صورت کارگر ساختمانی یا هر کار دیگری، روزی حدود ۱۰۰۰ ریال دستمزد بگیرند. به علاوه واقعیت این است که سه دنبال این تصمیم، بارهای از سهم‌بران دیگر کارگران کشاورزی، که در ۲ بخش مذکور به کار اشتغال ندارند، مثلا در اهوازدو گری با امور آبیاری به کار مشغول هستند، همان‌قدر دستمزد طلب می‌کنند که کارگران کشاورزی در ۲ بخش مذکور، زیرا که آنها هم در عمل این صورت به شهرها و حومه آن برای بیکاری کار و پرداخت دستمزد بیشتر مهاجرت می‌کنند. تصمیم گیری مردمداده این واقعیت را هم نادیده گرفته است.

۳. رابطه با دهقانان خرده‌پا

از طرف دیگر پرداخت دستمزدی حدود ۶۰۰ ریال به کارگران کشاورزی، که در چهاربخش مذکور به کار مشغول هستند، دشواری‌های در روستاها پدید خواهد آورد و سبب خواهد شد که دهقانان خرده‌پا، که ممران رمس آبان کمتر از ۲ هکتار است، با دشواری‌های بزرگی روبرو شوند. زیرا که به کارگر غیر کارگر کشاورزی در بسیاری از مناطق، ابتدا محصر به واحدهای سرمایه‌داری با موتاژ و بنگاه‌های بزرگ و مدرن و موی‌شبیست. مختصات تولید در نقاط بسیاری چنان است که، انبوهی از دهقانان خرده‌پا ناچار، اگر چه محدود، کشاورزی را، مدتی، اجیر می‌کنند.

مسئله آبیاری در روستا، در بسیاری موارد، با در نظر گرفتن حقدیارکی رمس مروزعی، بدون اجیر گردن بزرگر، امکان ندارد. در این حالت که مسائل کاملا" قابل ملاحظه‌است. در آمد ۲ تا ۳ هکتار زمین زراعی کندم، با قیمت هر تن ۲۰۰۰ تومان (به طور متوسط هرهکتار اعتن ۱/۵ تن محصول بیشتر نمی‌دهد) به آن اندازه نیست که هم مجارج خانواده دهقان خرده پا را تامین کند و هم دستمزد کافی به کارگر و بورژگر بپردازد. و اگر مجارج دروگران را هم به بورژگران اضافه کنیم و دیگر خرج‌های ضروری مانند کود و بذر و سم را در نظر بگیریم، مجارج هر هکتار زمین برای دهقانان خرده‌پا، از سال گذشته تا کنون، بسیار بیشتر از درآمد از هر هکتار است. و در این صورت حل مسئله دستمزد آن کارگری که اخیرا دهقانان خرده‌پا می‌شود، تا این گونه تخصیصات امکان پذیر نیست.

پس بی دلیل نیست که تصمیم مزبور، نه مناسب و نمی‌تواند جوابگوی مسئله دستمزد کارگران کشاوری باشد.

سخنه

یک بررسی کلی نشان می‌دهد که عوامل بررسی را برای حل مسئله دستمزد کارگران کشاوری، در مرحله کنونی، باید در نظر گرفت:

الف) عوامل اقتصادی و سازمانی که در شرایط فعلی مستقیما" به دستمزد کارگران کشاوری مربوط می‌شود:

- افزایش قیمت محصولات کشاوری به سود دهقانان تولیدکننده، که به نوبه خود بر درآمد کننده دستمزد است.

- حل مسئله "متاع" در روستاها، که می‌تواند هم به سودی بین مالکیت عوامل تولید و کار را، براساس دهقانی اجاد کند.

- برجستن نقاط بزرگ مالکی و شیوه‌های تولیدی و مصرفی.

- در نظر گرفتن میزان تورم در روستاها (که گاه به علت گرانی سریع وسایل کشت و داشت و برداشت و افزایش مواد الماده کالاهای مصرفی و بسیاد ملحقه حران و واسطه‌ها بسی بیش از شهرهاست).

- در نظر گرفتن رابطه درست وقایع از تعیین بین دستمزد و درآمد، در شهر و روستا (بدان معنا که ضوابط عادلانه و یکسان برای دستمزدها، در سطح متحرک و مناسب با هزینه‌ها تعیین شود. بدون آن که بین گروه‌های مختلف در روستاها و بین کارگران کشاوری در روستا و کارگران در شهرها اختلاف گذاشته شود).

این عوامل رابطه مستقیم با جستجوی بکر راه حل دیرپا و موثر در مسئله دستمزد کارگران کشاوری دارند. و گره‌ناپذیری‌ها به فقط کم نخواهند شد، بلکه به سایر میزان آن افزوده شود. تنگی سبب که در این امر باید حداقل به حل رشته‌ای مسئله ارضی و تحول بنیادی در حیات روستا، به ویژه کارکشاوری و بازدهی و بهبود بخشی آن، به درآمد از هرهکتار زمین، رامی دهقانان کم زمین و خرده‌پا، به اتحاد بنیادی که این درآمد و بازدهی را بالا برد، به گونه‌ای استفاده از نیروی کار و دشواری‌های آماری توجه کرد. خصوص باید جدایی رمس‌های زراعی دهقانان و امکان اتحاد اشکال متنوع تعاونی را با استحاکم در نظر گرفت. باید دانست که در سیاری مناطق، این مسائل، با نظام تولیدی جدیدی منفرنشود، دهقانان را ناگزیر به گرفتن کارگر کشاوری خواهد کرد و اقتصاد کشاوری با ارائه راه‌حل از جانب سازمان کارگران کشاوری، اعم از فعلی یا داعمی، از نقاط مختلف کشور، در رشته‌های مختلف تولیدی و در بخش‌های مختلف دولتی یا خصوصی با تعاونی، و از جانب سازمان دهقانان خرده‌پایی که ناچار به گرفتن کارگر کشاوری هستند، نمی‌توان به پیشداکردن راه‌حل مسئله دستمزد کارگری موفق شد.

بسیاری، نکته مرتبط شورایی کار و پیوستگی و حمایت سندیکاهای کارگران کشاوری، بهره‌گیری از شورای ده و اتحادیه‌های دهقانی و سایر اشکال تشکل دهقانان و همچنین استفاده از حزب سازمان سندیکاهای بنیادهای انقلابی، نظیر جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، که مستقیما با دهقانان و مسائل دهقانی سروکار دارند، در بحث و تبادل نظر و تصمیم‌گیری، در کنار مقامات مسئول، برای حل مسئله دستمزد کارگران کشاوری ضرور است.

ب) همچنین در یک برداشت کلی نیز دو درامر دت حتما" کسی است که علاوه بر جنبه‌های اقتصادی - فنی - اداری - بهداشتی - اجتماعی، مسئله کارگران کشاوری و حای آن‌ها را در بخش اقتصاد روستایی - طوفانوس اسامی جمهوری اسلامی ایران - در حار - چوب برنامه عمومی، کامل و منحصر، رد احتماعی - اقتصادی کسر بعیس کرد و در دورهای حرکت جامعه بخش و تحول آن را روس سود. در این جا رجوع و همچنین در ارتباط مسئله دستمزد با مسائلی نظیر سیمه و بازسیستگی و یکسان کردن می‌شود و برنامه‌ها برای کلیه کارگران کشاوری، بدون استثنا، و اصول یکپارچه قانون کار برای کلیه کارگران، اعم از صنعتی و کشاوری است، که می‌توان به سوی حل این مسئله‌ها نیز رفت.

کمال آباد فارس در انتظار هیئت ۷ نفری

روستای کمال آباد در ده کیلومتری شهر ارسنجان (فارس) قرار دارد. جمعیت این روستا بنا به سرشماری ۱۶۰ نفر است.

رمسهای مزروعی این روستا دو بوعند. رمس های کشاوری و اراضی حرده مالکی.

مالک این روستا ۱۸۰ هکتار رمس آبی دارد، که چهار جانور روستایی نیز روی آبها کار می‌کنند. رمسهای حرده مالکی این روستا حدود ۸۰ هکتار است و به ۲۶ جانور عامل دارد. درضمن تعدادی از حرده مالکان، به علت فقرپیش از حد در شهر ارسنجان به کارگری مشغولند.

دهقانان بی‌رمس و کم‌رمس این روستا یکون بوابسته‌اند رمسهای مالک را مضاربه کشت و درست می‌گیرند. ولی اخیرا هشت ۷ نفری تقسیم رمس برای تحقیقات به این روستا آمده و دهقانان منتظر اقدامات آنها هستند. با نظور عادلانه و انقلابی رمسها واگذار شود. مباحثه و اهمال در واگذاری رمس به دهقانان کم‌رمس و بی‌رمس سبا درجهت بازخاستی بوده‌های روستایی و به نفع عناصر ملاک است.

امسال گرانی وسایل درو، حطرکشاورزان را باراحت کرده است. صاحبان کمباس امسال، بدون رعایت هرگونه ضابطه و قانونی، هر مقدار کرایه که خواسته‌اند، تعیین کرده‌اند. دهقانان سرمزای ارسن‌سوس محصول به احبار آورا برداخته‌اند. مسئولین کشاوری باید دست این صاحبان کمباس را از سرد دهقانان کوتاه کنند و اینگونه امکانات را به دول دهقانان حبی باد رباب کرایه در احترانان بگذارند. اتحاد "مرکز خدمات کشاورزی" برای دهها روستای یک منطقه، میتواند این مشکل را حل کند.

روستای کمال آباد فاقد درمانگاه، دارو، پزشک و ... است. روستائیان باید بیمار خود را به ارسنجان و درصورت وخیم بودن حال بیمار به شیراز ببرند. که این امر برای دهقانان، با توجه به درآمد ناچیزشان، گاه غیرممکن است.

این روستا فاقد حمام است و در انتظار کمک مسئولین امور است.

کمال آباد حتی یک مغازه ندارد و روستائیان برای خرید مایحتاج روزانه، خود باید تنها به ارسنجان بروند، که در آنجا نیز سودجویان احساس را به جشدن برابر فرصت به روستائیان می‌فروشند. اتحادات تعاونی، زیرنظارت شورای ده، میتواند راه حلی برای این مشکل باشد.

این روستا دارای یک باب دبستان ابتدائی است با یک معلم. دانش آموزان برای ادامه تحصیل ناچارند به حال آباد و یا شیراز بروند.

حال که تحقیق هشت هفت نفری پایان یافته، باید هرچه زودتر یکنفر از اعضای ارثی روش وکتمه اراضی به دهقانان زحمتکش واگذار شود. برای سطیم وبان همه، این حواسها و راه‌حل‌ها، اتحاد اتحادیه دهقانی ضروری است.

در کمال‌آباد ارسنجان، دهقانان منتظر اقدامات هیئت هفت نفری هستند.

واگذاری زمین به صاحبان اصلی آن، یعنی دهقانان زحمتکش، باشرع اسلام مخالف نیست

فئودالها و جواس، در آسیاء با نودی قطعی خودشان، محمله به حربه سوءاستفاده از بی‌دست رده‌اند و به اشاعه اکاذیب پرداخته‌اند. اما آنها نسبوده فکری کنند که دهقانان آگاه هستند و با دروغ‌پردازی، زیرپناه مذهب، میزان بحران و پنتیج اتحادگرد و رمس‌های مزروعی را بگیرند. آنها گروهی روحانی‌نما را که تا زیر موجوارجان "تعمیر" فئودالها هستند و با جود ارباب و صاحب ملک‌اند، به خدمت واداشته‌اند. با نابودی نظام طلم و غارت و فساد و اکاری عمترنرعی و "مخالف شرع اسلام" قلمدادکنند. آیان برای این کارحتی ازحمل دروغ نامی روبگردان نیستند. به قصد مسلمانان را نسبی عقل آنان به سیاه‌نمایرا روند انقلاب و مانع جفه علیه‌بیهای دهقان نیهدنست، بلکه چهره "اسلام راستین و انقلابی را میپوشاند و آبرا حرجه میکند و بیدو چنین واجود میارد که اسلام را روزو غارت بزرگ مالکی و ورسر و ساهی نامی از آن همگونه مخالفی ندارد.

در حالیکه، به گفته حجت‌الاسلام فاضل هرندی، حاکم شرع درساد واگذاری رمس، سر از اظهار نظر و تصویب حصوات آیات عظام آقایان منتظری و مکنیمی، "دیگر درشرعی بودن طرح حق محدث وجود ندارد". فئودالها هم، در این راه اراده اجدادها که "بداد اسلام برسد که میخواهد طرحی کمونیستی را پیاده کند".

مطابق خبرصدرح درمجله "پیام انقلاب"، که توسط سپاه پاسداران منتشرمیشود، فئودالها هرروزه از راه نفس و نامه و تلگرام، از راه اعرام واسطه‌های هشت‌های حقدخرده به مراکز و مراجع مختلف، تانک مخصرا و و صدرمدی خودرا بلندکرده‌اند و مانع کار هشت‌های ۷ نفری و ستاد واگذاری رمس میشود. فئودالها به تانعه برداری و دروغ بافی نامی پرداخته‌اند ومثلا تابع کرده‌اند که "آقای منتظری ازطلال خود برگشته‌اند و آن را رد کرده‌اند. در امسود حجت‌الاسلام فاضل هرندی گفته است:

"من خودم به حد عبداسان (آیت الله منتظری) رقم و حواسم نظرمان راجوا نیوم، ولی قبل از آنکه من سخنی بگویم، باید به صورت عرض فرمودند. بروند و مسول کارمان بروندوبنی درباره این تانعه به آیان صحبت شد، کفته‌به خود نافی است". به افراد هشت‌ها بسیارند که از حدود فانون تجاوزکنند.

ارثان، علاوه نگوش برحق "مساوی و نگسر و حات آنها، محماهند از اصل "مالکیت" نامحدود دفاع کنند و حال مکنند که مساوحده دهقانان بعدلاند که، کار و عبادت و حتی وضع کرمیان دررمس واگذارشده، با شرع مخالف دارد!

وضعه جام انقلابی‌سوی که با روستاها بحاش هستند و وضعه خود دهقانان آگاه است که نفت بروبر و ربا را از جبهه" این گونه مخالفت‌ها و تابعات بردارند و به دهقانان بومی بگویند که: واگذاری رمس‌ها حق مسلم دهقانان، عنوان صاحبان اصلی و واقعی آنهاست. واگذاری رمس‌ها به دهقانان، اجرای فانون اساسی است. "درشرعی بودن طرح سرحای هنگونه بحث و شک وجود ندارد."

حضرت آیت الله منتظری و سخنان حجت الاسلام فاضل هرندی و همچنین این نکته که، اجرای طرح واگذاری رمس، بلکه اعمال ولایت است". "یک مسئله مقلدی نیست، بلکه اعمال ولایت است". باید به اطلاع همه دهقانان رسانده شود. تا حربه مسموم و مزوراته فئودالها و "وعاظ‌السلاطین" از دست عارنگر و فاسد آنها گرفته شود و دیگر آنها نتوانند به این سپاه ساحتگی مانع اجرای فانون شوند.

حجت الاسلام هرندی بدرستی گفته است:

"فئودالها خیال میکنند بایخش این تابعات کدب میتوانند چندسالی دیگرون دهقانان و کاوزران مظلوم و محروم این سرزمین را بمکند."

آری، هدف استثمارگران که پشت‌اندرپشت، غاصب رمس و مکنده خون دهقانان بوده‌اند، این است که، مانع رسیدن حق به حق دارنده شود. هدف و دس وشرع سپاه است. هدف آنها ادامه عبارت است. ادامه سلطی است که رسمسار صدا عملات است.

وظیفه مقامات مسئول است به هرچه زودتر و قاطع‌تر دستوراجرای طرح فانون مصوبه واگذاری رمس هرآیدهند. هشت‌های هفت نفره، که کارحقیقی خود را بپایان رسانده‌اند، باید هرچه زودتر و عملا مرحله قطعی واگذاری رمس‌ها را به انجام برسانند. انقلاب بزرگ ایران دیگرنمیتواند تحمل مکیدن خون دهقانان باشد. نمیتواند دیگرهیچده ملیون نیازمند را مظلوم و محروم نه‌بیند. نمیتواند شاهد سرنوشت حملکرهای ارثان فاسد و جپاولگر باشد.

به همه دهقانان یادآوری کنیم: واگذاری زمین به فقط احقاق یک حق مسلم و یک امر قانونی و مصوبه مقامات رسمی و قانونی است، بلکه با شرع اسلام، سرمخالفت ندارد و هرکس حز این ادعائی کند، باتبعه افکنی مرور بسیاه کننده "چهره" اسلام راستین است. از آن گروه روحانی‌نماها است که به قول امام خمینی، حرفه آنها مسوخت آشن است.

انجام اصلاحات ارضی بنیادی و واقعی بسود دهقانان زحمتکش، حکم انقلاب و پاسدارخامه" ما و حواست دهقانان ماست. هیچ نیروئی را یارای مقاومت در برابر این حکم و حواست نیست.

دهقانان زحمتکش با بنداری و آگاهی و مبارزه خود، به کمک سپاه‌های انقلابی، نظیر جهاد سازندگی سپاه پاسداران، و باحمایت مراجع راستین مذهبی و یاری همه انقلابیون صدق به حق خود خواهند رسید. رمس بال آنها، و هشت‌های ۷ نفری باید هرچه زودتر بکشند. را روس کنند. ارثان وضعه انقلاب بنودی خواهند دید که فاجعه بزرگ بنا را برانقلابی سوخواند.

دهقانان چشم براهند:

هیئت‌های ۷ نفری باید هرچه زودتر قاطع‌تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را به انجام برسانند

سخنی با نویسندگان و خوانندگان روزنامه «جمهوری اسلامی»

درشماره دوشنبه ۳۱ شهریور ماه ۹روزنامه جمهوری اسلامی، تقریبا یانصحه کامل به‌انتشار مطالب زشت و فحش‌هائی اختصاص یافته است که، گروهکهای خرابکار و چپ‌نمای امریکائی علیه حزب توده ایران نوشته‌اند.

گردآورندهٔ این مطالب، که خودرامربه اقتضای موضوع و هرمطلب مطالب منتشره، «چپول» نامیده، زحمت این کار را به این‌دلیل برخود هموار کرده‌است که یکسان خود ثابت کند، واقعیت کمونیسم رانمی ـ توان شناخت و :

«اگر تمام عمر خود راسرپکنید و بخواهید با واقعیت و ماهیت گروهکهای کمونیستی و میزان انتخابات و دست‌بدیهای آنها پی‌ببرید، بتر عاجز خواهید بود.»

بعلاوه آقای چپول میخواهد ثابت کند که:

«کمونیست‌ها وقتی دوفور باشند، «حزب» تشکیل میدهند و وقتی سه نفر شدند، انتخاب می‌کنند.»

عقیده شخصی آقای «چپول»، که ظاهرا نیازبه اثبات آن‌چنانی هم ندارد، اینست که،اصولاکمونیست‌ها از هر قشنی که‌باشند، **«وابسته یکی از دولتهای خارجیند.»**

نویسندگان روزنامه «جمهوری اسلامی»، بنا به تجربه شخصی خود، قطعا میدانند که **نامه‌مردم»به** اینگونه نوشته‌ها پاسخ نمی‌دهد. همین گروهک‌هائی که «جمهوری اسلامی» تقریبا یك صفحه تمام در اختیار آنان گذاشته است، تابه حزب توده ایران بتازند، تاکنون خروارها کاغذ سیاه کرده‌اند و جز دشنام به حزب ما چیزی نداشته‌اند که بگویند، ولی ما هرگز به‌آنها نپرداخته‌ایم.

ولی امروز پرداختن به مندرجات «جمهوری اسلامی» را بدو دلیل ضرور میدانیم: یکی اینکه لحظه، لحظه حساسی است و اتحاد همه نیروهای انقلابی را قطعا ایجاب می‌کند. دیگراینکه درهمین مهملات گروهکهای چپ آمریکائی، که در روزنامه جمهوری اسلامی درج شده، برخلاف ادعای آقای چپول، دلائل روشنی برای شناختن ماهیت مانوئیسم وجود دارد. جا دارد که این دلائل را نشان دهیم و امیدوار باشیم که جویندگان حقیقت و کسانیکه دربرابر انقلاب ایران احساس مسئولیت می‌کنند، به گفته‌های ما توجه کنند.

آقای «چپول»، با کنارهم‌گذاشتن مهملات چند گروهك‌چپ‌نما و ردیف‌کردن نام دهها گروهك از این نوع، به این نتیجه رسیده است که: شناخت‌ماهیت مارکسیسم ممکن نیست. درحالیکه ایشان وخوانندگان روزنامه جمهوری اسلامی منطقا باید به نتیجهٔ عکس آن میرسیده‌و از مقایسه مواضع این گروهك‌ها به مارکسیسم واقعی دست مییافتند. برای روشن شدن موضوع، بجای مارکسیسم، مثالی از اسلام بزنیم:

از فردای رحلت پیامبر اسلام، نفاق در صفوف مسلمانان افتاد، و طی هزار و چهارصدسال، دهها و صدها گروه و فرقه در کشورهای مختلف پدید آمدکه هریك خود را تنها نماینده اسلام راستین‌معرفی میکرد. هراکنون از سادات و شاهان خودفروخته وشاهزادگان فاسد عربستان سعودی گرفته تا صداماسفند و ضیاء ـ الحق عامل اجنبی و فئودالهای خائن افغانستان و غیره و غیره ـ همگی خود را بهترین مسلمانان معرفی‌میکنند و صدیقگر او به مسلمان بودن قبول دارند و کنفرانس تشکیل می‌دهند و بعنوان مسلمان، کنار هم می‌نشینند.

«اسلام» واقعی و «مکتبی» میشوند و ادعا می‌کند که چنین اتحادی اصولا ممکن نیست و گویا مارکسیسم دراساس خود نمی‌تواند با جنبش اسلامی متحد شود.

مانمی‌نهایت متاسفیم که روزنامه «جمهوری‌اسلامی» نه فقط در صفحهٔ مورد نظر ما، بلکه در بسیاری از شماره‌های خود، آب‌به آسیاب این دو جریان مکمل میریزد و چنین فکری را تبلیغ میکند که گویااتحاد همه نیروهای انقلابی ایران مفدور نیست.

ما به نویسندگان روزنامه «جمهوری اسلامی» و خوانندگان آن توصیه می‌کنیم که با مارکسیسم منابع اصلی آن آشنا شوند. مارکسیسم را از زبان ضدمارکسیست‌ها آموختن شرط عقل نیست.

منابع اصلی‌مارکسیسم‌ـلنینیسم، نه‌تنها امکان اتحاد همه نیروهای انقلابی را نشان میدهند، بلکه چنین اتحادی را شرط تکامل میدانند. به مابمنت حزب کمونیست ـ نخستین اثر کارلیافهٔ مارکسیسم رجوع کنید. دراین اثر تاکید میشود که **«کمونیست‌ها همه‌جا ازهر جنبش انقلابی» پشتیبانی می‌کنند «کمونیستها همه‌جا برای نیل به اتحاد و توافق احزاب دموکراتیك همهٔ کشورها میکوشند.»**

اینها رهنمود صریح و مشخص مانیفست بهمه کمونیست‌های‌دنیاست. رهنمودی‌است‌که از نخستین روز پیدایش جنبش کمونیستی مانیفست‌ماند و پس از قریب نیم قرن، آنرا **«حکم بنیادی مارکسیسم»** درباره مشی سیاسی کمونیست‌ها میداند و **برآن‌تاکیدمی‌کند.** براساس این رهنمود است که حزب توده‌ایران، در پرتو عقیده خود، کوشش در راه **اتحاد نیروهای انقلابی،** ضد امپریالیستی و خلقی را سهمترین وظیفه سیاسی خود میداند و اعلام می‌کند، **از هر دولتی که از درون جنبش انقلابی ایران برون آید، پشتیبانی خواهد** کرد. این برنامه چهار پنج سال پیش‌از پیروزی انقلاب ایران منتشر شده‌است.

ما امیدواریم که نویسندگان «جمهوری‌اسلامی» و خوانندگان آن با اصول اساسی مارکسیسم و یا اصول استراتژیك حزب توده ایران از نزدیك‌آشنا شوند و نظریات ساخت آمریکا را، که ضد مارکسیسم و ضدماهیت مشی سیاسی اصیل حزب توده ایران است، به سکه نقد نگیرند.

بطرما، آقای «چپول» سکه‌های قلب‌خود را خوب به‌نمایش گذاشته و نمونه‌های دوفوری بدست داده است که، چگونه«کمونیسم» **ساخت آمریکا در اعتراض** نیروهای انقلابی خرابکاری میکند و چگونه‌کمونیسم واقعی را وارونه جلوه میدهد و چوب لای چرخ تکامل انقلاب ایران میگذارد. حال وقت‌آنست که پاسخاتی که از «کمونیسم» امریکائی و «اسلام» آمریکائی بدست آورده‌ایم، برای شناخت کمونیسم اصیل و اسلام راستین بکوشیم.

حزب توده ایران‌دراین‌راه گامهای بزرگی به‌جلو برداشته و امروز رهنمود اساسی مارکسیسم را درباره ضرورت پشتیبانی از هر جنبش انقلابی ـ در مورد کشورما جنبش انقلابی اسلام برهبری **امام خمینی** ـ با دقت و آگاهی تمام اجرا میکند وبرای‌شناخت‌هرچه دقیقترجنبش اسلامی میکوشد. اینکاش نویسندگان «جمهوری اسلامی» نیز در مورد جنبش کمونیستی‌چنین کنند.

درشماره دوشنبه ۳۱ شهریور ماه ۹روزنامه جمهوری اسلامی، تقریبا یانصحه کامل به‌انتشار مطالب زشت و فحش‌هائی اختصاص یافته است که، گروهکهای خرابکار و چپ‌نمای امریکائی علیه حزب توده ایران نوشته‌اند.

گردآورندهٔ این مطالب، که خودرامربه اقتضای موضوع و هرمطلب مطالب منتشره، «چپول» نامیده، زحمت این کار را به این‌دلیل برخود هموار کرده‌است که یکسان خود ثابت کند، واقعیت کمونیسم رانمی ـ توان شناخت و :

«اگر تمام عمر خود راسرپکنید و بخواهید با واقعیت و ماهیت گروهکهای کمونیستی و میزان انتخابات و دست‌بدیهای آنها پی‌ببرید، بتر عاجز خواهید بود.»

بعلاوه آقای چپول میخواهد ثابت کند که:

«کمونیست‌ها وقتی دوفور باشند، «حزب» تشکیل میدهند و وقتی سه نفر شدند، انتخاب می‌کنند.»

عقیده شخصی آقای «چپول»، که ظاهرا نیازبه اثبات آن‌چنانی هم ندارد، اینست که،اصولاکمونیست‌ها از هر قشنی که‌باشند، **«وابسته یکی از دولتهای خارجیند.»**

نویسندگان روزنامه «جمهوری اسلامی»، بنا به تجربه شخصی خود، قطعا میدانند که **نامه‌مردم»به** اینگونه نوشته‌ها پاسخ نمی‌دهد. همین گروهک‌هائی که «جمهوری اسلامی» تقریبا یك صفحه تمام در اختیار آنان گذاشته است، تابه حزب توده ایران بتازند، تاکنون خروارها کاغذ سیاه کرده‌اند و جز دشنام به حزب ما چیزی نداشته‌اند که بگویند، ولی ما هرگز به‌آنها نپرداخته‌ایم.

ولی امروز پرداختن به مندرجات «جمهوری اسلامی» را بدو دلیل ضرور میدانیم: یکی اینکه لحظه، لحظه حساسی است و اتحاد همه نیروهای انقلابی را قطعا ایجاب می‌کند. دیگراینکه درهمین مهملات گروهکهای چپ آمریکائی، که در روزنامه جمهوری اسلامی درج شده، برخلاف ادعای آقای چپول، دلائل روشنی برای شناختن ماهیت مانوئیسم وجود دارد. جا دارد که این دلائل را نشان دهیم و امیدوار باشیم که جویندگان حقیقت و کسانیکه دربرابر انقلاب ایران احساس مسئولیت می‌کنند، به گفته‌های ما توجه کنند.

آقای «چپول»، با کنارهم‌گذاشتن مهملات چند گروهك‌چپ‌نما و ردیف‌کردن نام دهها گروهك از این نوع، به این نتیجه رسیده است که: شناخت‌ماهیت مارکسیسم ممکن نیست. درحالیکه ایشان وخوانندگان روزنامه جمهوری اسلامی منطقا باید به نتیجهٔ عکس آن میرسیده‌و از مقایسه مواضع این گروهك‌ها به مارکسیسم واقعی دست مییافتند. برای روشن شدن موضوع، بجای مارکسیسم، مثالی از اسلام بزنیم:

از فردای رحلت پیامبر اسلام، نفاق در صفوف مسلمانان افتاد، و طی هزار و چهارصدسال، دهها و صدها گروه و فرقه در کشورهای مختلف پدید آمدکه هریك خود را تنها نماینده اسلام راستین‌معرفی میکرد. هراکنون از سادات و شاهان خودفروخته وشاهزادگان فاسد عربستان سعودی گرفته تا صداماسفند و ضیاء ـ الحق عامل اجنبی و فئودالهای خائن افغانستان و غیره و غیره ـ همگی خود را بهترین مسلمانان معرفی‌میکنند و صدیقگر او به مسلمان بودن قبول دارند و کنفرانس تشکیل می‌دهند و بعنوان مسلمان، کنار هم می‌نشینند.

«اسلام» واقعی و «مکتبی» میشوند و ادعا می‌کند که چنین اتحادی اصولا ممکن نیست و گویا مارکسیسم دراساس خود نمی‌تواند با جنبش اسلامی متحد شود.

مانمی‌نهایت متاسفیم که روزنامه «جمهوری‌اسلامی» نه فقط در صفحهٔ مورد نظر ما، بلکه در بسیاری از شماره‌های خود، آب‌به آسیاب این دو جریان مکمل میریزد و چنین فکری را تبلیغ میکند که گویااتحاد همه نیروهای انقلابی ایران مفدور نیست.

ما به نویسندگان روزنامه «جمهوری اسلامی» و خوانندگان آن توصیه می‌کنیم که با مارکسیسم منابع اصلی آن آشنا شوند. مارکسیسم را از زبان ضدمارکسیست‌ها آموختن شرط عقل نیست.

منابع اصلی‌مارکسیسم‌ـلنینیسم، نه‌تنها امکان اتحاد همه نیروهای انقلابی را نشان میدهند، بلکه چنین اتحادی را شرط تکامل میدانند. به مابمنت حزب کمونیست ـ نخستین اثر کارلیافهٔ مارکسیسم رجوع کنید. دراین اثر تاکید میشود که **«کمونیست‌ها همه‌جا ازهر جنبش انقلابی» پشتیبانی می‌کنند «کمونیستها همه‌جا برای نیل به اتحاد و توافق احزاب دموکراتیك همهٔ کشورها میکوشند.»**

اینها رهنمود صریح و مشخص مانیفست بهمه کمونیست‌های‌دنیاست. رهنمودی‌است‌که از نخستین روز پیدایش جنبش کمونیستی مانیفست‌ماند و پس از قریب نیم قرن، آنرا **«حکم بنیادی مارکسیسم»** درباره مشی سیاسی کمونیست‌ها میداند و **برآن‌تاکیدمی‌کند.** براساس این رهنمود است که حزب توده‌ایران، در پرتو عقیده خود، کوشش در راه **اتحاد نیروهای انقلابی،** ضد امپریالیستی و خلقی را سهمترین وظیفه سیاسی خود میداند و اعلام می‌کند، **از هر دولتی که از درون جنبش انقلابی ایران برون آید، پشتیبانی خواهد** کرد. این برنامه چهار پنج سال پیش‌از پیروزی انقلاب ایران منتشر شده‌است.

ما امیدواریم که نویسندگان «جمهوری‌اسلامی» و خوانندگان آن با اصول اساسی مارکسیسم و یا اصول استراتژیك حزب توده ایران از نزدیك‌آشنا شوند و نظریات ساخت آمریکا را، که ضد مارکسیسم و ضدماهیت مشی سیاسی اصیل حزب توده ایران است، به سکه نقد نگیرند.

بطرما، آقای «چپول» سکه‌های قلب‌خود را خوب به‌نمایش گذاشته و نمونه‌های دوفوری بدست داده است که، چگونه«کمونیسم» **ساخت آمریکا در اعتراض** نیروهای انقلابی خرابکاری میکند و چگونه‌کمونیسم واقعی را وارونه جلوه میدهد و چوب لای چرخ تکامل انقلاب ایران میگذارد. حال وقت‌آنست که پاسخاتی که از «کمونیسم» امریکائی و «اسلام» آمریکائی بدست آورده‌ایم، برای شناخت کمونیسم اصیل و اسلام راستین بکوشیم.

حزب توده ایران‌دراین‌راه گامهای بزرگی به‌جلو برداشته و امروز رهنمود اساسی مارکسیسم را درباره ضرورت پشتیبانی از هر جنبش انقلابی ـ در مورد کشورما جنبش انقلابی اسلام برهبری **امام خمینی** ـ با دقت و آگاهی تمام اجرا میکند وبرای‌شناخت‌هرچه دقیقترجنبش اسلامی میکوشد. اینکاش نویسندگان «جمهوری اسلامی» نیز در مورد جنبش کمونیستی‌چنین کنند.

دسائس جنایتکارانه علیه آن‌استفاده کرده‌اند. یکی از مهمترین این‌دسائس ایجادگروهکهای بدل‌مارکسیسی است، تاپلیدترین نظریات خرابکارانه خود را در بسته‌بندی «مارکسیسی‌عرضه کند. امپریالیسم‌امریکا وسازمانهای جاسوسی آن در این کار تخصص‌ویژه‌ای دارند و از اینجاست که هر روز یك گروهك روزمنده و خرمنده و جنگنده و ... بنام مارکسیسم‌اعلام‌موجودیت میکند و نخستین کارش هم حمله به حزب توده ایران و ادوگاه سوسیالیسم و خرابکاری دراهر **وحدت نیروهای اصیل انقلابی ایران است.**

وجود این گروهکها نباید سبب آن شود که ماهیت مارکسیسم اصلی ناشناخته بماند. برعکس، در آئینه این گروهکهای ساخت آمریکا بهتر میتوان ماهیت مارکسیسم را دید. چرا این گروهکها ساخته شده‌اند؟ چرا باچنین خشمی به حزب توده ایران میتازند؟ برسر **هیچ!** آیا **خاطرتوکه‌خرابکاری گروهها وشخصیت‌های عامل امپریالیسم امریکا**، که خود را زیر نام اسلام پنهان کرده‌اند، به شناخت ماهیت‌ضد امپریالیستی و خلقی ایران کمك میکند، خرابکاری همین عوامل، که زیر نام مارکسیسم خود را پنهان کرده‌اند، نمی‌تواند کمکی برای‌شناخت درست‌جنبشهای اصیل مارکسیستی باشد؟

در نوشته‌های این گروهکهای «چپ» امریکائی دقت کنید. روی چه‌چیزی تکیه می‌کنند؟روی عدم‌امکان اتحاد مارکسیست‌ها و مسلمانان مبارز؛ عدم امکان همکاری و اتحاد جمهوری اسلامی ایران باکشورهای سوسیالیستی در نبرد علیه امپریالیسم! آیا نباید از خود بپرسیم این گروهك میچه منظوری گرفت؟ آیا نباید فکرکرد که آنها هم **خط برژینسکی** را ـ منتها با چهره‌نمائی ـ دنبال میکنند؟

در همین مقالاتی که «جمهوری اسلامی» از انتشارات گروهکهای «چپ» آمریکائی چاپ‌کرده، یك وجه اشتراك **اصلی** وجود دارد و آن اینکه، در هر سه آنها امکان اتحاد نیروهای انقلابی ایران نفی شده است:

گروهك تروتسکیستی بابك زهرائی، از ریشه و بطور علنی مخالف چنین اتحادی است. تروتسکیستها، بنا به‌تصریح خود آقای «چپول»، انقلاب را در انحصار **یك طبقه** میدانند. در نتیجه با **هرشکل** انقلابی، منجمله «انقلاب اسلامی» شدیدا مخالفاند و حتی معتقد به مبارزه مسلحانه برای نابودی آن هستند.

گروهك «آلبانیستی» مهمترین ایرادی که‌به‌حزب ما دارد اینست که، حزب توده ایران میخواهد «ارتجاع حاکم» را علیه سازمانهای «مترقی» تحریك کند.

گروهك مائوئیستی ـ آمریکائی «رنجبر»، مقاله خود را به مخالفت با پیشنهاد حزب توده ایران درباره تشکیل «کنگره تفاهم ملی» اختصاص داده‌است.

مخالفت با اتحاد نیروهای انقلابی ایران ـ سرفنظر از ایدئولوژی و سازمان سیاسی ـ مختص این سه گروهك نیست. **وجه مشخصهٔ همه گروهکهای‌خرابکار** همین‌است. همه اینگونه گروهکها، چه چپ‌نما و چه راست‌گرا ـ برای خرابکاری در این اتحاد تشکیل‌می‌شوند. عده‌ای از آنها طبق دستور ارباب، «چپ» و «مارکسیست» میشوند و شب و روز کوشش می‌کنند تا به‌اصطلاح مارکسیسم را بیازند و تبلیغ‌کنندکه مانع اتحاد نیروها، انقلابی است، و عده‌ای دیگر (وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی هم کنار آنها می‌نشستند) دانشگاههای رسمی اسلامی، نظیر دانشگاه الازهر و غیره مشغول بکارند و فرقه‌های اسلامی، که شماره ۲۳ بوده، اینك به صدها رسیده‌ است. درخود ایران انواع گروهك‌های ضدانقلابی وجود دارد، که خودرا اسلامی معرفی می‌کنند، ولی علیه انقلاب ایران واسلام **امام‌خمینی** میرزمند. عصنه‌روحانیون‌سرشناسی، که سرسازگاری با اسلام راستین ندارند و تمهدکرده بودند که رژیم کودتائی را، که‌قرار بود، جای‌جمهوری اسلامی بپاید، بستایند.

از آینهمه اختلاف و منافقه، که طی هزار و چهارصدسال وجود داشته و امروز هم با شدت ادامه دارد، آیا میتوان نتیجه گرفت‌که نمی‌توان به ماهیت فرقه‌های اسلامی پی‌برد؟ آیا میتوان گفت که‌دومسلمان فرقه مبارزند و سه مسلمان انتصاب می‌کنند؟!

بنظر ما نه‌اودرست برعکس. وجود این اختلافات به درك ماهیت سازمانها و گروههای اسلامی کمك‌می‌کند. وقتی فلان مفتی آمریکائی به اصطلاح اسلامی، به انقلاب ایران می‌تازد و رهبر برجسته آن **امام‌خمینی** را تکفیر میکند، هرفرد آگاه و مسئول احساس میکند که یك مسئله جدی درمیان است و باید بکوشد، تا با ماهیت مسئله آشنا شود. حزب توده ایران چنین می‌کند.

حزب توده ایران دربرابر انقلاب ایران روش مسئولی دارد. پیدایش انواع گروهك‌های «اسلامی»، که هریك بنوعی به انقلاب ایران ضرر میزنند، مارا خوشحال نمی‌کند. ما از این واقعیت نتیجه نمیگیریم که «چپ اندچپ» و «اسلام‌اندواسلام» است. بلکه تنها میگوییم که **«هر خمینی، استاد انقلابی و ضد امپریالیستی است،** وگرنه عمال امپریالیسم علیه آن خرابکاری نمی‌کردند. دشمنی‌خرابکاران، اسلام‌مداران و وعاظ‌السلاطین سرتاسر دنیا با انقلاب اسلامی‌ایران، از نظرما ـ و هر فرد مسئول علاقمند به انقلاب خود وسیله‌ای است برای شناخت بهتر ماهیت انقلاب‌ایران و نه برعکس ما بااحساس مسئولیت انقلابی همواره می‌کوشیم که‌درصف‌انقلاب باشیم، واگراختلاف‌نظری هم با فلان سازمان سیاسی ـ اسلامی داریم، بخاطر این اختلاف‌نظر، حرف فلان مفتی عامل امپریالیسم‌را تکرار نکنیم، زیرا که برای خودمان مسئولیت واحترام قائلیم.

ما انتظار داشتیم و انتظار داریم که مسلمانان مبارز نیز چنین کنند. این اندیشه که‌گویا هدف وسیله را توجیه‌می‌کند، اندیشه ماکیاولیستی، اندیشهٔ بیپسی‌فاشیستی است.نباید آنرا راهنماقرار داد. دربرخی از مطبوعات اسلامی این اندیشه را از روی ناآگاهی به مارکسیسم نسبت بدهند و ازآن به‌بدی یاد می‌کنند، ولی متاسفانه درعمل خود از آن پیروی مینمایند. ولی باید دانست که هدف هرچه‌باشد وسیله را توجیه نمی‌کند. و اصولا، هدفی که شریفتر باشد، هرگز با وسائل پست قابل دسترسی نیست، و هدفی که بوسیله پست متوسل میشود، نمی‌تواند شریف باشد.

باری، دربارهٔ مارکسیسم بگوئیم، که علمی‌است توانا. این علم، از آنجا که با مسائل اجتماعی‌سیاسی سروکار دارد، طبیعی‌است که مورد نفرت طبقاتی قرار میگیرد که امتیازاتشان با تکامل اجتماعی درخطراست. طبقات ممتاز و به‌اصطلاح مستکبرین و طاغوتیان، طی ۱۳۰ سالی که از پیدایش این علم گذشته، از همه دسائس جنایتکارانه علیه آن‌استفاده کرده‌اند. یکی از مهمترین این‌دسائس ایجادگروهکهای بدل‌مارکسیسی است، تاپلیدترین نظریات خرابکارانه خود را در بسته‌بندی «مارکسیسی‌عرضه کند. امپریالیسم‌امریکا وسازمانهای جاسوسی آن در این کار تخصص‌ویژه‌ای دارند و از اینجاست که هر روز یك گروهك روزمنده و خرمنده و جنگنده و ... بنام مارکسیسم‌اعلام‌موجودیت میکند و نخستین کارش هم حمله به حزب توده ایران و ادوگاه سوسیالیسم و خرابکاری دراهر **وحدت نیروهای اصیل انقلابی ایران است.**

وجود این گروهك‌ها نباید سبب آن شود که ماهیت مارکسیسم اصلی ناشناخته بماند. برعکس، در آئینه این گروهکهای ساخت آمریکا بهتر میتوان ماهیت مارکسیسم را دید. چرا این گروهکها ساخته شده‌اند؟ چرا باچنین خشمی به حزب توده ایران میتازند؟ برسر **هیچ!** آیا **خاطرتوکه‌خرابکاری گروهها وشخصیت‌های عامل امپریالیسم امریکا**، که خود را زیر نام اسلام پنهان کرده‌اند، به شناخت ماهیت‌ضد امپریالیستی و خلقی ایران کمك میکند، خرابکاری همین عوامل، که زیر نام مارکسیسم خود را پنهان کرده‌اند، نمی‌تواند کمکی برای‌شناخت درست‌جنبشهای اصیل مارکسیستی باشد؟

در نوشته‌های این گروهکهای «چپ» امریکائی دقت کنید. روی چه‌چیزی تکیه می‌کنند؟روی عدم‌امکان اتحاد مارکسیست‌ها و مسلمانان مبارز؛ عدم امکان همکاری و اتحاد جمهوری اسلامی ایران باکشورهای سوسیالیستی در نبرد علیه امپریالیسم! آیا نباید از خود بپرسیم این گروهك میچه منظوری گرفت؟ آیا نباید فکرکرد که آنها هم **خط برژینسکی** را ـ منتها با چهره‌نمائی ـ دنبال میکنند؟

در همین مقالاتی که «جمهوری اسلامی» از انتشارات گروهکهای «چپ» آمریکائی چاپ‌کرده، یك وجه اشتراك **اصلی** وجود دارد و آن اینکه، در هر سه آنها امکان اتحاد نیروهای انقلابی ایران نفی شده است:

گروهك تروتسکیستی بابك زهرائی، از ریشه و بطور علنی مخالف چنین اتحادی است. تروتسکیستها، بنا به‌تصریح خود آقای «چپول»، انقلاب را در انحصار **یك طبقه** میدانند. در نتیجه با **هرشکل** انقلابی، منجمله «انقلاب اسلامی» شدیدا مخالفاند و حتی معتقد به مبارزه مسلحانه برای نابودی آن هستند.

گروهك «آلبانیستی» مهمترین ایرادی که‌به‌حزب ما دارد اینست که، حزب توده ایران میخواهد «ارتجاع حاکم» را علیه سازمانهای «مترقی» تحریك کند.

گروهك مائوئیستی ـ آمریکائی «رنجبر»، مقاله خود را به مخالفت با پیشنهاد حزب توده ایران درباره تشکیل «کنگره تفاهم ملی» اختصاص داده‌است.

مخالفت با اتحاد نیروهای انقلابی ایران ـ سرفنظر از ایدئولوژی و سازمان سیاسی ـ مختص این سه گروهك نیست. **وجه مشخصهٔ همه گروهکهای‌خرابکار** همین‌است. همه اینگونه گروهکها، چه چپ‌نما و چه راست‌گرا ـ برای خرابکاری در این اتحاد تشکیل‌می‌شوند. عده‌ای از آنها طبق دستور ارباب، «چپ» و «مارکسیست» میشوند و شب و روز کوشش می‌کنند تا به‌اصطلاح مارکسیسم را بیازند و تبلیغ‌کنندکه مانع اتحاد نیروها، انقلابی است، و عده‌ای دیگر

اعلامیه سازمان جوانان تودهٔ ایران بمناسبت تجاوز نظامی رژیم مزدور بعث عراق:

همه باهم به پیش در دفاع از جمهوری اسلامی ایران در مقابل توطئه‌های امپریالیسم امریکا و دست‌نشاندگانش!

های منطقه بود، اکنون نیز به نیروهای‌انقلابی جهان، به خلقهای ستمکش منطقه نشان داد که مردم و جوانان ایران، که در جریان نبردهای سالهای سیاه اختناق و دیکتاتوری شاه ـ آمریکا، در کارزار اعتصابات، مظاهرات و نبرد مسلحانه آبدیده شده‌اند، نیرومندتر از آنند که در برابر این دسیسه‌های مذبوحانه امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق شکست بخورند. مردم و جوانان ایران عزم راسخ دارند که انقلاب خویش را تا پایان به‌پیش برند و با ساختمان جمهوری جوان‌خویش، آینده‌ای‌سعادتمند را بنا نهند.

سازمان جوانان تودهٔ ایران، بمثابه کهنالترین سازمان انقلابی جوانان ایران، که همواره در صفوف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر بهروزی مردم و جوانان ایران، جای داشته است، دراین شرایط حساس و خطیر از همه جوانان انقلابی و میهن‌دوست میطلبد که متحد و یکپارچه، در کارزار دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی شرکت جویند.

جوانان دلاور ایران!

برای دفاع از جمهوری انقلابی خود، برای دفاع از انقلاب‌شکوهمند ایران و دستاوردهای آن متحد و یکپارچه بپاخیزید!

سازمان جوانان‌تودهٔ ایران از همه‌اعضاء و هواداران‌خود مرطلبد که:

ـ با معرفی سریع خود به نهادهای انقلابی، بویژه سپاه پاسداران و ارتش ۲۰ میلیونی، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی، اعلام دارند و در چارچوب وظایف‌دفاعی و نظامی‌ای که مسئولین نهاد انقلابی فوق تعیین می‌کنند، در اجرای ماموریت‌های محوله بکوشند.

ـ عوامل ضدانقلاب را شناسایی و به نهادهای انقلابی و مقامات مسئول اطلاع دهند.

ـ با هشیاری کامل بکوشند تا دسیسه‌های عمال امپریالیسم را افشاء و خنثی کنند.

ـ در محل زندگی و محیط کار خود، فعالانه جوانان‌را تشویق به شرکت در سازمانهای بسیج و مقاومت کنند و بکوشند تا آنان را برای مقابله با حوادث احتمالی آماده کنند.

ـ با شایعه‌سازی و تبلیغات ضدانقلاب، که بمنظور ایجاد جو تشنج انجام می‌گیرد، مبارزه کنند و در حفظ حوشنوری انقلابی اهالی‌بکوشند.

ـ در شرایط حساس به‌یاری مردم بشتابند و آنان را در مقابل حوادث احتمالی و نیز تامین آذوقه و... یاری رسانند.

اعضاء و هواداران سازمان موظفند از هر ابتکاری بمنظور بالاردن آمادگی دفاعی مردم و جوانان، در همکاری با نهادهای انقلابی و اتحاد با دیگر نیروها، بهره جویند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

مرگ بر رژیم تجاوزگر بعثی عراق!

زنده‌باد انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام‌خمینی!

سازمان جوانان تودهٔ ایران

۱۳۵۹/۷/۱

رویدادهای جهان

رژیم ضیاءالحق از جانب امریکا وظایف رژیم پهلوی را در منطقه بعهده گرفته است

ناظران سیاسی در دهلی‌نو، درباره دیدار قریب‌الوقوع ژنرال ضیاءالحق، رهبر رژیم نظامی دست‌نشانده پاکستان، از واشنگتن وملاقات با جیمی کارتر میگویند که این دیدار نشان میدهد که ضیاءالحق،برنامه ظاهرسازی‌های ریاکارانه، کاملا با طرح‌های واشنگتن در منطقه همراه میشود. این ناظران ضمن اشاره به «زمست‌های» چندماه گذشته ضیاءالحق، یادآور شدند که ضیاءالحق، که چند ماه پیش کمك نظامی چهارصد میلیون دلاری آمریکا را، بخاطر «ناچیز» بودن، رد کرده بود، اکنون کاملا شرایط آمریکا را پذیرفته است. آمریکا نیز از طریق رژیم‌ارتجاعی خاندان آل‌سعود در عربستان سعودی، کمکهای لازم را در اختیار رژیم ضیاءالحق قرار میدهد.

محافل سیاسی در پایتخت هند یادآور شدند که امپریالیسم آمریکا در درجه‌اول، تلاش دارد که رژیم دست‌نشانده پاکستان را مامور اجرای وظائفی کند که به رژیم سرنگون شده سلطنتی ایران محول کرده بود. ازجمله این وظائف‌میتوان از زمامداری منطقه و شرکت‌در طرحهای‌امریکا و چین در زمینه توطئه علیه نیروها و کشورهای ترقیخواه منطقه نام‌برد.

مسئول تشنج کنونی در جهان امریکاست

بوریس پونامارید، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در سخنرانی خود در اجلاس «پارلمان ملت‌ها برای صلح»، که‌در صوفیه جریان دارد، از همه ملت‌ها خواست تا تلاش‌های خود را برای صلح و آرامش متحد کنند، تا جهان از یك فاجعه نجات یابد.

بوریس پونامارید گفت:

«دلیل اصلی تشنج کنونی در جهان، دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی از سوی کشورهای ناتو و در درجه اول بوسیله آمریکاست.»

پونامارید بویژه دستورالعمل شماره ۵۹ کارتر را، که طی آن جنگ هسته‌ای محدود برای پیشبرد اهداف آمریکا پیش‌بینی شده است، مورد حمله قرارداد و آنرا دیوانه‌وار خواند.

همکاری نظامی امریکا و صهیونیستهای تل‌آویو گسترش می‌یابد

امپریالیسم آمریکا بدون اعتنا به افکار عمومی جهان، همکاری نظامی با صهیونیست‌های تل‌آویو را گسترش‌میدهد. به گزارش‌روزنامه‌های آمریکائی، رئیس ستاد مشترك آمریکا ماه آینده برای مذاکره با رهبران نظامی صهیونیست، راهی تل‌آویو خواهد شد. در این دیدار «همکاریهای بیشتر» دو کشور مورد بررسی قرار میگیرد. همچنین قرار است که رهبران نظامی بلندپایه صهیونیستی به نوبه خود برای دریافت کمکهای نظامی بیشتر راهی آمریکا شوند.

در اجلاس عمومی یونسکو، عده‌ای از کشورها خواستار اخراج اسرائیل شدند

مقامهای رژیم تل‌آویو سرکوب و فشار علیه مبارزان در کرانه غربی‌رود اردن و نوار غزه را کماکان ادامه میدهد. صهیونیست‌ها شهردار شهر قلقیلیه را در کرانه‌غربی رود اردن بخاطر بحث«اعلامیه‌های نخریك آمیز» بازداشت کرده‌اند. بازداشت شهردار قلقیلیه تازه‌ترین اقدام صهیونیست‌ها برای خاموش‌کردن آنتن مخالف در کرانه غربی رود اردن است.

از سوی دیگر، در اجلاس‌عمومی یونسکو، که در بلگراد جریان دارد، عده‌ای از کشورها اعلام کرده‌اند که اسرائیل بخاطر تلاش برای تغییر وضع بیت‌المقدس باید از این اجلاس اخراج شود.

چین با استفاده از دو دسته جنایتکار پول‌پوت، تشنج را در جنوب شرقی آسیا حفظ می‌کند

محافل اجتماعی در هند سیاست دولت این کشور را درمورد حمایت از شورای انقلابی خلق کامبوجیا مورد تئید و حمایت کامل قرار میدهند. در ارتباط با این‌حمایت، همه‌نامه هندی «نیو وبیو» اعلام کرد:

«ارتودسته جنایتکار و خون‌آشام پول‌پوت ـ یینگساری تنها در طریق حمایت آشکار امپریالیسم آمریکا و چین است که میتواند کرسی کامبوجیا را در سازمان ملل متحد هدچنان بخود اختصاص دهد.»

این هفته‌نامه اضافه کرد:

«چین بویژه با استفاده از جنایتکاران پول‌پوت تلاش دارد که تشنج در آسیای جنوب شرقی را همچنان حفظ کند.»

مخالفت با سیاست خائنانه انور سادات در داخل مصر گسترش می‌یابد

هفته‌نامه الشعب، ارگان حزب سوسیالیست کارگری مصر، در مقاله‌ای تلاش رژیم سادات را برای تبدیل مصر به پایگاه نظامی‌امریکا شدیدا محکوم کرد. این نشریه پرسید:

«آیا میتوان انتظار داشت که از این پایگاه‌ها علیه صهیونیست‌ها، که چند کشور عرب و مسلمان را اشغال کرده‌اند، استفاده خواهد شد؟»

شمار بیکاران در انگلیس، ازهم افزایش یافت

بنا به آمار رسمی منتشر شده در لندن، شمار بیکاران در انگلیس، ماه گذشته باز هم افزایش یافت و اکنون دو میلیون و چهل و پنج‌هزار نفر در این کشور بیکار هستند. نکته جالب‌آنکه، مقامهای دولت تاچر، افزائش شمار بیکاران را در ماه گذشته «معتدل(!)» خوانده‌اند.

از سوی دیگر، بنا به همین آمار، نرخ تورم در انگلیس اکنون از بیست درصد تجاوز کرده است.

تجاوز خیانتکارانه...

بقیه از صفحه ۱

هر مانعی را که در سر راه «رستاخیز» «ملت‌عرب‌وجود دارد» آزمایش برداره. نام «بعث» را، که در عربی بمعنای «رستاخیز»است، نیز بهمین دلیل برای خودانتخاب کرده‌اند.

نخستین قربانی این سیاست حزب بعث در عراق، کرده‌بودند. بعثی‌هادراساسنامه حزب‌خودشان درباره حلقه‌های غیر عربی، که‌در داخل «ملت عرب» زندگی میکنند، چنین‌مینویسند: «حلقه‌های غیر عربی که در داخل «ملت عرب» زندگی میکنند، بایاید در «ملت عرب» تحلیل بروند، یانابودشوند و یا این منطقه را ترك کنند.»

«بعثی‌ها»این‌سیاست‌شوونیستی احمقانه را درباره ایرانیان مقیم عراق نیز اعمال کردند، برخی‌از آنان را تحلیل بردند، برخی را نابود و برخی دیگر را به ترك عراق وادار ساختند، و بقیه تحت فشار دائمی هستند.

پس‌از آنکه در ایران انقلاب ضدامپریالیستی، خلقی وآزادی‌بخش برهبری **امام خمینی** پیروز شد وندای وحدت‌خلقهای‌مسلمان برضدامپریالیسم را سر داد واین وحدت ضدامپریالیستی‌را دربرابر ناسیونالیسم‌عرب‌قرار داد، رهبران حزب بعث تمام پایگاه‌ایدئولوژیك خود را در خطر دیدند و بدست‌وپا افتادند.

مخالفت‌بعثی‌های عراق بااسلام **امام خمینی** از دوران قبل از انقلاب سرچشمه میگیرد. تبعید **امام خمینی** از عراق، که‌سوئتت فریدون هویدا در کنت خودبنام «سقوط شاه» سرچشمه تقاضای دولت ایران‌انجام گرفت، نخستین گام در رویاروئی حزب بعث و دولت بعثی عراق با انقلاب ایران بود. از آن پس مبارزه دولت‌بعثی عراق با انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران پیوسته وسیعترو عمیقتر شد. آدمای دولت بعثی عراق، که گویا برای پس‌گرفتن حقوق ازدست رفته خود در زمان شاه سابق به جنگ علیه ایران اقدام‌کرده است، اوضای بی‌اساسی بیش نیست. آنچه دولت بعثی عراق میخواهد، مذاکره درباره اختلافات مرزی و شط‌العرب نیست. دولت بعثی عراق‌نمیتواند انقلاب‌ایران را، که‌خواهان‌وحدت تمام حلقهای مسلمان (صرفنظر از ملیت آنان) در مبارزه علیه امپریالیسم‌سرکردگی‌امپریالیسم آمریکاست، تحمل کند. قبولاین مشی سیاسی برای حزب بعث بمعنای نفی ناسیونالیسم عرب است، که حزب بعث عراق خودرا پرچمدار آن میداند.

بعثی‌های عراق تمام احزاب و دولتهای دیگر عرب را نیز، به بهانه‌های گوناگون به خیانت‌به «ملت عرب» متهم میکنند. نصب کور، چشم زمامداران بعثی‌عراق را بر واقعیات جهانی امروز بسته است. آنان قادر نیستندباتجربه‌و تحلیل علمی، دوستان و دشمنان همان «ملت‌عرب» راتشخیص‌دهند. ناسیونالیسم ارتجاعی حزب‌بعث، که‌جهان را به عرب و غیرعرب تقسیم میکند، عراق را مه‌منطق عربستان سعودی و شیوخ امارات متحده عربی و مصر وامپریالیسم آمریکا و انگلیس برضدانقلاب ایران تبدیل کرده است. امپریالیستهای کهنه‌کارانگلیس بخصوص دوی این رژیم‌خواب بعثی‌های عراق فشار داده و آنها را به مقابله با انقلاب ایران برانگیخته‌اند. بعثی‌های عراق امیدوارند که‌کمك‌امپریالیستهای امریکائی، خوزستان را به «وطن عربی» که همان عراق‌است، ملحق کنند.

بدین‌ترتیب، عراق در اردوگاه امپریالیستها‌قرار گرفته‌وبعثی‌های عراق از این کشور برای دشمنی خونخوار برای انقلاب وجمهوری اسلامی ایران‌ساخته‌اند. انگیزه‌های دهنی هرچه باشد، واقعیت عینی است که‌عراق اکنون‌عملا یك عامل امپریالیسم آمریکا در منطقه است و عینا همان نقش اسرائیل رادر کمك‌به‌امپریالیسم آمریکا برضد آزادی و استقلال خلقها ایفا میکند. هر ضربه‌خونی که در دوطرف مرز ایران و عراق بزمین میریزد، در دل شیطان بزرگ شادی و قهقهه برمی‌انگیزد. مسئولیت تاریخی حزب بعث عراق در این‌جنگ برادرکشی را با هیچ دلیل و توجیهی نمیتوان لوث کرد. اگر در دل بعثی‌های عراق ذره‌ای احساس مسئولیت تاریخی وجود داشت، هرگز به‌این‌جنگ‌برادرکشی تن در نمی‌دادند. خلقهای ایران و عراق هردو بسازندگی نیاز دارند نه جنگ.

در اینجا باید تاکید کنیم که جنگ از طرف خلق ما جنگی دفاعی و عادلانه است. بعثی‌های عراق از همان نخستین هفته‌های پیراز انقلاب ایران، دسته‌های خرابکار به ایران فرستادند، لوله‌های نفت را آتش زدند و در مرزها به تحریك و توطئه آغاز کردند. بعثی‌های جنایتکار عراق این حملات و خرابکاریهای خود رابخصوص‌پس‌ازانتقال‌جانشین‌شاه و قطع روابط ایران با آمریکا توسعه دادند. رژیم بعثی عراق تا وقتی‌محمدرضا، نوکرسپرده امپریالیسم آمریکا، در رأس‌کار بود، دست‌نشانده‌ی سیه‌سرکرده بود و با حمایت او در سرکوب خلق کرد و سازمان ملا، همکاری میکرد، یعنی در حقیقت از استراتژی امپریالیسم آمریکا در منطقه سروی مینمود. امروز نیز که خلق ایران شاه را سرنگون کرده و کشورش را به پایگاه استوار مبارزه برضد امپریالیسم آمریکا تبدیل نموده، بعثی‌های عراق بازهم به پیروی از سیاست امپریالیسم‌برسر فرزندان‌انقلاب ایران تیپ میزنند.

ولی بعثی‌های عراق این بار کور خوانده‌اند. خلق قهرمان ایران چون تن واحد آماده دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. مبارزان و افسران ارتش جمهوری اسلامی ایران، با دلیری و جانبازی‌خود، درهفتمین روز جنگ محکمی بر پوزه تجاوزگران بعثی زده‌اند و درس فراموش‌ناشدنی به آنها داده‌اند. خلق ما و نیروهای مسلح ما، در پیوند ناگسستنی با یکدیگر، آماده‌اند که در دفاع از میهن انقلابی، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تجاوزگران‌عراقی و همدستان جنایتکار آمریکائی آنانرا در سر حاکی خود بشانند.

خلق ایران پیروز است، چون از حق و حقیقت دفاع میکند.

بر قرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیك ایران در جبهه متحد خلق

باهشدارهای...

بقیه از صفحه ۱

«مردم» افزود: «صدام حسین، رئیس جمهوری عراق، مجموعه عملیات ضدانقلاب ایران را از طریق یکی‌ازنزدیکان‌خود، اداره و نظارت میکند. امر توزیع پول و تقسیم اسلحه وطرح‌توطئه‌ها و اجرای آنها و مجموعه عملیات دولت بعثی عراق‌در کردستان ایران، بدستور و زیرنظر این مباشه صدام حسین انجام می‌گیرد.» (همانجا)

حزب توده ایران، با افشای آخرین اطلاعاتی که ارتوطه‌های متعدد رژیم بعثی عراق خریدداد چگونگی تکوین این توطئه‌ها، رابطه‌آنها را با مجموعه‌توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب ایران، نشان داد، گام به گام نفذ آن را چهره‌ازین‌رژیم ضدخلقی دزید و برای مقابله بااین‌توطئه‌ها راه نشان دادو نسبت به خطرآنها هشدار داد.

برای نخستین‌بار، حزب توده ایران از حضور مزدوران ایرانی در عراق، حضور بختیار،پالیزبان و اویسی در این کشور، خبرداد.

نامهٔ«مردم» در ۱۰ خرداد ۵۹ نوشت:

«رژیم‌بعثی عراق،بشرط مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، به متقاضیان اسلحه می‌دهد.»

نامهٔ «مردم» در۱۴ تیر ماه۵۹، بربایهٔ‌اطلاعات دقیق و برخدمته‌ای از مراکز مهم ضدانقلاب درخارج از کشور، تحت عنوان «باز هم هشدار میدهیم»، نوشت:

«مراکز رهبری مستقیم توطئه و خرابکاری علیه ایران وانقلاب آن...بویژه‌در فرانسه‌وانگلستان، در مصر،عراق و عمان‌قرار دارد... به ابتکار و کمك مستقیم دولت آمریکا، بختیار در مصر، عراق‌و عمان نقش به تشکیل «گروههای ضربتی ویژه» زده است. این گروهها بطور عمده از افسران پیشین گارد جاویدان، ساواك و ژاندارمری، که پس از انقلاب فرارکرده‌و یا از سابق‌در کشورهای اروپا مانده‌اند تشکیل داده میشوند.»

کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی یك اعلامیه، در تاریخ ۲۵ تیرماه ۵۹، بلافاصله پس از عقب‌ماندن توطئه کودتا، هشدار داد که توطئه عظیم دیگری در شرف تکوین‌است. کمیته‌مرکزی حزب توده‌ایران کیفیت‌وچگونگی این توطئه را چنین بیان کرد:

«نیروی اساسی ضدانقلاب در درون ایران، دست‌نخورده باقی مانده است. این نیرو می‌تواند در پیوند با نیروی ضدانقلاب، که در خارج ایران، در عراق و مصر و عربستان سعودی تمرکز یافته و آماده تجاوز است، هر لحظه بطور خطرناك وارد عمل شود...

خبرهای رسیده از مراکز فعالیت‌ضدانقلاب‌در اروپا وگروه‌های وابسته به‌ضدانقلاب‌در ایران تاییدکننده این واقعیت است که توطئه خطرناك جدیدی از داخل‌و خارج در شرف تکوین است.

در این توطئه پیش‌بینی شده است که با همکاری نیروهائی ارتجاعی در جنوب و غرب‌ایران، نیروهای ضدرژیم‌از افسران‌خائن و ساواکیهای فراری و دسته‌های مزدور، که در عراق و مصر و عربستان سعودی آماده شده‌اند، از راه هوا و زمین و دریا، خوزستان و مناطق ساحلی‌خلیج فارس را به اشغال درآورند و با پیوند دادن این منطقه با مناطقی که اکنون درکردستان در اشغال گروههای ضدانقلابی است، پایگاه وسیعی برای نقشه‌های تجزیه‌گرانه بعثی بوجودآورند.»

حزب توده ایران در تاریخ ۱۶ مردادماه ۵۹، خبر از قریب‌الوقوع بودن‌گسترش‌حملات‌رژیم بعثی عراق علیه انقلاب‌و جمهوری اسلامی ایران داد و نوشت:

«طبق اخبار موثق در ماه اوت (اواخر مردادماه و اوایل‌شهریور ماه) دولت بعث عراق اقدامات خرابکاری خود و تحریکات‌نظامی خود را علیه ایران شدت خواهد داد.»

(این اقدام براثر افشاگری‌های مذکور و موانل دیگر به تعویق افتاد که بموقع خود غیر تعویق به اطلاع مسئولین‌جمهوری اسلامی ایران رسید، و اینك ـ چنانکه می‌بینیم ـ توطئه دراتشهای شهریور واقع گردید).

بیوده نیست که رادیوبغداد و صدام حسین‌ها چنین کینه‌توزانه به حزب توده ایران می‌تازند و کشتار توده‌ای‌ها را ـ در صورت «پیروزی» ـ نخستین هدف خود قرار داده‌اند.

این واقعیات، بهمراه صدها واقعیت دیگر، که به نفش‌موثر حزب توده ایران در خنثی‌سازی توطئه‌های‌دشمنان‌انقلاب‌وجمهوری اسلامی ایران گواهی میدهند، بیانگر پشتیبانی صادقانه و تایای جان حزب توده ایران‌از جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب ایران است.

این واقعیات همچنین بر این حکم از آزمون گذشته صحه می‌گذارند که: برای حفظ‌انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، باید به هشدارهای حزب توده ایران برخوردی جدی داشت.

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارندهٔ امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶آذر شماره ۶۸
(دفتر نامهٔ «مردم» هنوز در اختیار نامهٔ «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 341
25 September 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.